

کارگران جهان متحد شویم!

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



دسامبر 2017 - آذر 1396

شماره 71

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com



گسترده تر باد اعتصاب توده ای کارگران شرکت هفت تپه



کارزارهای بین المللی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران
زندانی و سایر زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت!

متحدانه درهای زندانها را

بر سر این رژیم نیز بشکنیم!

گفتگوهای کارگری، گزارش از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه،
جنبش کارگری و مبارزات و اعتراضات سال 2017 و ...

گسترده تر باد اعتصاب توده ای کارگران شرکت هفت تپه

بنا به اطلاع سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصابی که در شرکت هفت تپه روز شنبه هیجده (۱۸) آذر ماه آغاز شده بود روز یکشنبه نوزده (۱۹) آذر ماه با شرکت گسترده خانواده های کارگری ادامه یافت. به دلیل تداوم اعتصاب در هفت تپه و حضور توده ای خانواده های کارگری در آن، با وجود ترفندها و توطئه کارفرما و نیز کنترل نیروهای امنیتی، مبارزه کارگران بر سیاست های تفرقه اندازانه کارفرما فائق شد و ترفندها درهم شکسته شد.

کارگران روزمزد و بخش کشاورزی شرکت با تعطیل نمودن کار در حالیکه بشدت خشمگین بودند با حمل ابزارهای کار خود وارد کارخانه شدند و با بستن درب اصلی و درب ورود تریلرها، کوره های بخار و آسیابها را خاموش و تعدادی از مسئولین شرکت را به باد کتک گرفتند و یکی از مدیران که اخراجی آنها را اعلام نموده بود. او را نیز مورد حمله قرار داده و علیرغم اقدام به فرار نامبرده به قسمت تراشکاری، وی را همانجا گیر انداخته و پس از شکستن درب اتاقی که در آنجا مخفی شده بود بشدت مورد ضرب و شتم قرار دادند.

کارگران در قسمت های مختلف کارخانه به راهپیمایی دست زدند و یکپارچه شعار دادند " افشار حیا کن، هفت تپه رو رها کن!". و خواهان استعفا و برکناری مدیریت شدند. در این اعتصاب حرکت فریب کارانه کارفرما که وعده پرداخت بخشی از دستمزدهای چند نفر از کارگران را به منظور تفرقه انداختن در حرکت همبسته توده ای کارگران داشت خنثی شد. کارگران هفت تپه در این اعتصاب اتحاد و یکپارچگی جمعی خود را به نمایش گذاشتند و نشان دادند که به این طریق می توان کارفرماها و دولت حامی آنها را به عقب نشینی وادار نمود.

بدنبال اعتصاب و عصیان کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، حقوق مرداد ماه کارگران روزمزد پرداخت شد اما حقوق مرداد ماه ۸۰۰ کارگر پیمانکاری و ۱۵۰۰ کارگر نی بر پرداخت نشده است.

نهادهای همبستگی ضمن حمایت و پشتیبانی از حرکت یکپارچه کارگران هفت تپه و استقبال از حضور گسترده خانواده های کارگری در آن، می کوشد خبر اعتصاب کارگران را به اشکال مختلف منعکس می کند.

زنده باد همبستگی کارگری! دروود بر کارگران متحد نیشکر هفت تپه!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج از کشور

<http://nahadha.blogspot.com>

nhkommittetehamahangi@gmail.com

دوشنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۶ برابر با ۱۱ دسامبر ۲۰۱۷



متحدانه درهای زندانها را بر سر این رژیم نیز بشکنیم!

رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی کماکان به دستگیری و زندانی کردن کارگران و دیگر فعالین جنبش‌های اجتماعی مشغول است. از بدو به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی ایران هزاران انسان معترض و مبارز از اقصای مختلف اجتماعی در چنگال این رژیم قرون وسطایی اسیر بوده و هستند.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، ترس و وحشت خود را از کارگران و فعالین کارگری با دستگیری آنان عریان‌تر به نمایش گذاشته و می‌گذارد. کارگران و فعالین دربند و محاکمه شده، چه جرمی جز دفاع از دوستان هم طبقه ای خود مرتکب شده اند؟ آنها به دلیل تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری که بتواند در هر شرایطی نماینده و مدافع آنها باشد، بازداشت شده اند. جای کارگران و نمایندگان و فعالین کارگری و دیگر فعالین جنبش‌های اجتماعی در زندان‌ها نیست،

مردم ایران همچنان که درهای زندان‌های رژیم دیکتاتوری شاه را شکسته و تمامی زندانیان سیاسی را بردوششان از زندان‌های مخوف سلطنتی بیرون آوردند، می‌توانند و دورنیست، آن زمانی که درهای زندان‌های جمهوری اسلامی را بر سرشان خراب کنند و تمامی زندانیان سیاسی را به آغوش جامعه آزاد و انسانی برگردانند.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران فعالانه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی کوشش خواهد کرد و همگان را فرامی‌خواند که به هر شکلی که می‌توانند در کارزار بین‌المللی **1 - 10 دسامبر 2017** فعالانه شرکت نموده و برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی در کارزارهای اعتراضی که در شهرها و کشورهای مختلف برگزار میشود، همراه با دیگر فعالین کارگری و دوستداران جنبش کارگری شرکت نمایند.

درهای زندان شکسته باد!

دسامبر 2017

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور

nhkommittetehamangi@gmail.com

نگاهی کوتاه به زندگی و مبارزات کارگران ایران در سال 2017

استثمار وستم طبقاتی بر کارگران در تمامی جوامع سرمایه داری ، روزمره است ، اما زمانیکه فشار و سرکوب امنیتی و پلیسی دولت نیز به مانند ایران بر آن افزوده می شود ، زندگی کارگران بمراتب دشوارتر می گردد و حتی در خطر درهم پاشیدگی کامل و نابودی قرار میگیرد. زندگی کارگران ایران در سالی که روبه پایان می رود ، این چنین بوده است :

دستمزدهای زیر فقر :

- باتوجه به بحران اقتصادی حاکم بر جامعه ، پایین بودن دستمزدهای کارگری و فزونی تورم و گرانی ، فشار زندگی بر کارگران در این سال بمراتب افزایش یافته است. شرح زندگی کارگران را از زبان چند کارگر شرکت هفت تپه بخوانیم (نقل از مصاحبه های روزنامه های جامعه فردا و اعتماد با کارگران اعتصابی هفت تپه - چاپ ایران) کارگران می گویند:

« اگر نامی از مادر این گزارش برده شود، قطعاً اخراج می شویم » ، کارگران میگویند : « بی توجهی به وضعیت شغلی بسیاری از این کارگران ، آنها و خانواده هایشان را درگیر آسیب هایی میکند که جبران ناپذیر است » ... علی که سابقه 18 سال کار در این شرکت را دارد، به شرایط سخت زندگی خودش اشاره میکند و میگوید : « سه تاجچه دارم. همسرم مدتهاست با ناراحتی قلبی دست و پنجه نرم میکند. در این چند سال تمام زندگی ام را فروخته ام تا در مانش کنم. هزینه های درمان همسرم طور است که مجبورم ماهیانه حداقل 600 تا 700 هزار تومان (150 تا 165 یورو) هزینه درمان و داروها را بدهم . از بیمه تکمیلی هم خبری نیست . همین حالا که اینجا هستم از سه جا وام گرفتم که هر کدامشان 4 - 5 قسط عقب افتاده دارند. تمام زندگی ام را فروختم ... این شرکت کاری بامن کرد که انگشت ریادگاری مادرم را فروختم تا غذای فرزند شیرخوارم را تأمین کنم... برای کودک شیرخواره ام ... نمیتوانم شیر بخرم. از فشار بی پولی حتی نتوانستم شهریه مدرسه بچه ها را پرداخت کنم. بعضی مواقع حتی پول توجیبی بچه ها را ندارم بدهم . شاید باورتان نشود ولی بسیاری از کارگران ما روزانه دو وعده غذا میخورند» او مستأجر است و بایستی ماهیانه 320 هزار تومان (80 یورو) اجاره خانه پرداخت کند که چهار ماه به تعویق افتاده است . علی ادامه میدهد : « گروه خونی ام اُ منفی است . خودتون میدونین چقدر کمیابه ... تصمیم داشتم کلیه ام را بفروشم که زخم فهمید و 10 - 12 روز به نشانه قهقرفت خونه پدرش. بچه هام گفتند ما حاضریم زیر چادر زندگی کنیم ولی تو این کار را باخودت نکنی. حالا هر روز فکر میکنم که چه کنم . تازگی ها تصمیم گرفته ام به بهانه مأموریت هم که شده چند روزی به اهواز برم و کلیه ام را بفروشم ، شاید از زیر بار فشار روانی از دست دادن خانه تا چند ماه آینده خارج بشم. همینه دیگه. به نفر خودسوزی میکنه یکی هم مثل من کارش به کلیه فروشی می کشه ... » (دردوماه پیش کارگری بنام نیکوفر قصد داشت به علت تعویق دستمزدها و در نتیجه فقر، خود و فرزندش را

کارگران جهان متحد شویم!

در محیط شرکت هفت تپه به آتش بکشد که کارگران بهنگام این اقدام، مانع شدند و آنها رانجات دادند - توضیح از ما) .

محمد با سابقه کار 16 سال، یکی از دیگر کارگران شرکت هفت تپه است. او به روایت از همسرش بازگو میکند: «چند روز پیش رفته بودم مرغ فروشی تا برای بچه‌ها مرغ بخرم. مرغ را هم روی حساب دقتی که در آن مغازه دارم میبرم، دیدم همسریکی از کارگرانی که من او را می‌شناسم هم در مغازه مشغول چانه زنی برای خرید مرغ است. صحنه‌هایی را دیدم که بسیار تکان دهنده بود. این زن حاضر بود برای گرفتن چهار تکه مرغ تن به هر کاری بدهد. شرم می‌آید... آنوقت می‌گویند اعتراض هم نکنید. مگر میشود این چیزها را دید و ساکت نشست...» در مصاحبه ای دیگر، کارگری زن که چهره اش را با ماسک پزشکی بسته بود گفت: «من بیمار سرطانی ام. شوهرم 5 ماه است حقوق نگرفته. پول داروهای شیمی درمانی ام را بابتدختی جور می‌کنم. پول دستی از این و آن می‌گیریم... صدایمان به هیچ جا نمیرسد. به مدیر کارخانه گفتم سرطانی ام، اینهم پرونده پزشکی ام. پول شیمی درمانی ندارم. می‌گویند برو وام بگیر. چه وامی بگیرم. من که نمیتوانم خرج نانم را بدهم، چطور قسط بدهم؟ کی به من وام میدهد. ما عضو صندوق بیمه تکمیلی کارخانه هستیم. یک سال است مطالبات کارگران از بیمه تکمیلی پرداخت نشده. بیمه تأمین اجتماعی هم پنج ماه است قطع شده، من با چه امیدی در مانم را ادامه دهم؟ چرا باید آنقدر فلاکت بکشم؟ بابت چی؟»

دستمزدهای عقب افتاده :

دستمزدهای زیر خط فقر کفاف حداقل مخارج زندگی کارگران را نمیدهد تا حدی که برخی از آنها مجبور به فروش کلیه ویا خودکشی می‌شوند. بدتر اینکه، سرمایه داران در بسیاری موارد و در شرکت‌های گوناگون حتی از بموقع پرداختن همین دستمزدهای ناچیز نیز سر باز می‌زنند و فشار بر کارگران را تشدید میکنند. امروزه اکثر اعتراضات کارگری در ارتباط با تعویق در پرداخت دستمزدها میباشد. چند نمونه: 1200 کارگر شرکت هفت تپه در همین ماه بمدت هفت روز با خواست پرداخت 5 ماه دستمزدهای عقب افتاده برای چندمین بار در اعتصاب بوده اند. همچنین 500 کارگر باز نشسته کیان تایر برای درخواست مطالبات خود چندین بار اقدام به برگزاری میتینگ در جلوی کارخانه و در جلوی مجلس و دفتر ریاست جمهوری کرده اند. 810 کارگر شهرداری مهاباد 5 ماه دستمزد را طلبکارند. 263 کارگر شرکت دیار در گلپایگان 10 ماه دستمزد عقب افتاده دارند. شرکت نورپلاست در قزوین 11 ماه، شرکت سنگ پاسارگارد در تاکستان و پیمانکاری راهسازی تنگ زاغ در فیروزآباد 18 ماه به کارگران بدهکارند و...

اخراجها و بیکارسازی

اخراج کارگران تحت عناوین گوناگون فشاری مضاعف بر کارگران بوده و همچنان بشدت ادامه داشته است. در ده ماه سال 2017 بیش از 3500 کارگر در شرکت‌های کوچک و بزرگ اخراج شده اند. دلایل اخراج عبارتند از اعتراضات کارگری و ایجاد وحشت در کارگران، افزایش بی رویه واردات و حتی قاچاق توسط پاسداران که کاهش تولید داخلی را به همراه دارد و سرمایه دار داخلی کاهش درآمد خود را با اخراج تعدادی از کارگران جبران میکند، اخراج کارگران رسمی و بخصوص سابقه دار و جایگزینی این تعداد را با کارگران جدید که به علت بیکاری شدید در ایران، مجبور به امضای قراردادهای موقت

کارگران جهان متحد شویم!

و مزایای پائین تر دستمزدی می‌شوند که در نتیجه سودبری بیشتر سرمایه دار را امکان پذیر میکند، کمبود مواد اولیه که تعطیلی کارخانه و یا تقلیل تعداد کارگران را در پی دارد، اعلام دروغین ورشکستگی شرکت و رهایی از بدهکاریهای شرکت با کمک مقامات دولتی و بانکی، تبدیل زمین تجارتي به زمین ساختمانی و فروش بمراتب گران تر آن و...

زنان کارگر

کارگران زن در ایران همچنان بشدت و بمراتب بیشتر از مردان کارگر تحت استثمار و ستم قرار دارند. بر اساس آمار دولتی که هیچ اطمینانی به آن نیست تعداد زنان شاغل حدود 11% کلیه شاغلین برآورد شده است. بخشی از این شاغلین در بخشهای غیرتولیدی کار میکنند و در نتیجه نیاپستی به عنوان کارگران زن به حساب آورده شوند. آن بخش از زنانی نیز که در تولید شرکت دارند، عمدتاً در کارگاههای زیر ده نفر که معاف از اجرای مزایای قوانین کار میباشند کار میکنند و در نتیجه علاوه بر اینکه دستمزد بسیار کمتری از کارگران مرد برای کار مشابه دارند، از بیمه درمانی و بازنشستگی، حقوق بارداری و عیدی و... محروم اند. در حالیکه بنابر مصوبه دولت، حداقل دستمزد کارگری مبلغ 812 هزار تومان (210 یورو) تعیین شده است، دستمزد واقعی کارگران در اکثر کارخانه ها کمتر از این مقدار است. بنابر اقرار سهیلا جلودارزاده که از مدافعان و نورچشمی های رژیم جمهوری اسلامی است: «اکثر زنان کارگر در بنگاه های اقتصادی و تولیدی فاقد قرارداد کار هستند و اگر قرارداد در میان است یک تا سه ماهه است... و هنوز زنانی با مزدی کمتر از 300 هزار تومان (73 یورو) در ماه کار میکنند». متأسفانه بسیاری از زنانی که دستمزد آن ها و یا همسرانشان کفاف مخارج زندگی خانواده را نمی‌دهد، مجبور به تن فروشی می‌شوند و مورد خشونت و تجاوز جنسی نیز قرار میگیرند. احکام و قوانین اسلامی و در بسیاری موارد فرهنگ سنتی و عقب مانده، عوامل دیگری بر تشدید ستم و فشار بر زنان بخصوص کارگران زن میباشند. زنان کارگر هم در بیرون از خانه کار میکنند و هم انجام کار خانگی را بر عهده دارند، لذا تحت فشاری مضاعف قرار دارند.

کودکان کار

تعداد کودکانی که به علل متفاوت از جمله بیکاری پدر و مادری در آمد اندک آنان که کفاف فقیرانه ترین زندگی را نمیدهد، مجبور به کار برای کمک مالی به خانواده هستند از شمارش خارج است و آمار دقیقی از آنها در هیچ آمار دولتی یافت نمیشود، اما تعداد آن ها آنچنان روز افزون است که در هر گوشه و کنار شهرهای بزرگ صدها کودک در حال شستشوی شیشه اتوموبیلها، فروش سیگار، گل و یاد حال باربری و گدائی آواره هستند. کودکی که بایستی به مدرسه برود و درس بخواند، یا فن و حرفه ای یاد بگیرد، بعلت فقر خانواده مجبور است برای گذران زندگی، سرگردان در خیابانها به کارهای طاقت فرسا برای کودکان بپردازد و هزاران کودک بی خانمان که حتی مجبور به کارتن خوابی شده‌اند و حتی مورد

تجاوز جنسی قرار دارند.

اکثر کارخانه ها و بویژه کارگاههای کوچک و بخش ساختمانی محروم از حفاظت ایمنی کارمیشوند . سرمایه داران برای سود ببری بیشتر هیچگونه توجهی به سلامت جسمی کارگران ایران ندارند و به تنها چیزی که می اندیشند، افزایش درآمد و سودبری است ، حتی اگر همراه با مرگ یا مصدومیت کارگران باشد . سالانه هزاران کارگردر ایران جان خود را در کارخانه ها یا ساختمانهای محروم از ایمنی کار از دست میدهند یا بشدت صدمه جسمی می بینند . این سوانح ناشی از بی ایمنی محیط های کار تا بدان حد افزایش یافته است که حتی مقامات مسئول دولتی نیز مجبور به ادعان آن شده اند. مسعود قادی پاشا مدیرکل پزشکی قانونی تهران گفت که در ده ماه سال پیش « مرگ ناشی از کار ، نسبت به مدت مشابه سال گذشته 11/4 درصد افزایش داشته است » . علاوه بر مرگ کارگران، در اثر عدم امکانات ایمنی کار، بایستی به صدمات ناشی از کارهای سخت و زیان آور نیز که لطمات آنها در آینده مشهود می شود توجه داشت یعنی اینکه زندگی کارگران در ایران نه تنها بهنگام کار در مخاطره شدید قرار دارد بلکه حتی در زمان بازنشستگی نیز با خطر مرگ زودرس همراه است . همان مقام دولتی میگوید : « طبق آخرین تحقیقات ، کارگران آلمان سی سال بعد از بازنشستگی همچنان امید به زندگی دارند، اما کارگران ایران شاغل در کارهای سخت و زیان آور معمولاً حدود سه سال بعد از بازنشستگی به علت بیماری فوت میکنند. در حال حاضر بیماریهای شغلی منجر به فوت 6 تا 12 برابر حوادث ناشی از کار است» . وی اشاره دارد که : « در پنج ماهه نخست سال جاری، 183 کارگردر استان تهران بر اثر حوادث کاری جان خود را از دست دادند که در مقایسه با سال گذشته چهار درصد افزایش نشان میدهد (تارنمای میدان 17 اکتبر 2017). حتی محاسبه یک انگشتی نشان میدهد که اگر بنا بر اقرار این مقام مسئول بپذیریم رقم 183 نفر دستکاری و کمتر از واقعیت اعلام نشده باشد ، حدود 1098 تا 2196 کارگردیگر در اثر بیماریهای ناشی از کار در 5 ماه در استان تهران فوت میکنند که با محاسبه سال و افزودن تعداد مرگهای فوری ناشی از کار، تعداد قربانیان ناایمنی محیط های کار تنها در استان تهران، سالیانه بالغ بر 11700 نفر میشود . حال اگر به همین ترتیب تعداد مرگ ناشی از کار را در استانهای دیگر یعنی در سراسر ایران محاسبه کنیم، تعداد کارگرانی که سالیانه در ایران به علت ناایمنی محیط کار بمنظور افزایش درآمد سرمایه دار، فوت میکنند، دهها هزار نفر میشود. سرمایه دار نه تنها کارگر را استثمار میکند و با سود ناشی از کار کارگر، بر ثروت خود می افزاید، با عدم پرداخت بقوق دستمزدها، باز هم در اندیشه فزونی ثروت خود به ازای فقر و گرسنگی و بیماری کارگر میباشد بلکه مرگ زودرس را نیز به کارگر " هدیه " میکند تا باز هم بر ثروت خود افزوده باشد. این است مفهوم و واقعیت ماهیت مالکیت خصوصی برابر تولید . هر آنگاه که کارگر زبان به اعتراض گشاید، چماق اخراج در دست سرمایه دار است و بیکاری و سرکوب حکومتی نصیب کارگران . حتی وابستگان دولتی نیز در پی اوجگیری مبارزات کارگری مجبور شده اند به این چماق سرمایه دار و فشار حکومتی اعتراف کنند . ناصر چمنی عضو هیأت مدیره کانون عالی انجمنهای صنفی کارگری که تشکلی وابسته به جمهوری اسلامی است، تحت عنوان کارگران از ترس اخراج شدن به ناامنی کارگاه اعتراض نمیکنند، اقرار دارد که : « قراردادهای موقت وزیر سئوال رفتن امنیت شغلی در محیط کارگاهی موجب شده تا کارگران نتوانند با خاطر آسوده نسبت به رعایت نشدن تمهیدات ایمنی و خطرهای جانی مترتب بر آن از کار فرما گلایه کنند... کارفرمایان تصور میکنند هزینه کردن ایمنی کارگاه و تجهیز آن بی مورد و هزینه اضافی است و وقتی به این شرایط موقعیت نابرابر کارگران قراردادی

کارگران جهان متحد شویم!

وپیمانکار را نیز اضافه کنیم، طبیعی است که راه هرگونه انتقاد از کارفرما بسته می‌شود... دولت هم در نبود انجمنهای صنفی مستقل و سندیکا، علاقه چندانی به نظارت بر کارگاهها و احقاق حقوق کارگران ندارد.» (تارنمای میدان 5 نوامبر 2017).

دستگیری وزندان

از رژیم اسلامی ایران میتوان به راحتی بعنوان یکی از ضدکارگرتترین حکومت در جهان نام برد. شدت و گستردش سرکوب کارگران معترض در ایران آنچنان شدید و گسترده است که اعتراض تقریباً تمامی اتحادیه های کارگری در اکثر کشورهای جهان و همچنین سازمان جهانی کار را نیز برانگیخته است. اخراج کارگران معترض از سوی کارفرما که وسیله ای متداول برای ترساندن کارگران از توسل به اعتراض میباشد کفایت نمیکند بلکه در بسیاری از موارد مقامات امنیتی و پلیسی وارد محیط کارخانه میشوند و کارگران را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و دستگیر و زندانی میکنند. بارها کارگران هفت تپه در چندین ماه گذشته مورد حمله قرار گرفته و دستگیر شده اند. بیشترین فشار حکومتی بر فعالین کارگری وارد میشود زیرا رژیم اسلامی از نفوذ فکری و مبارزاتی این فعالین در بین کارگران و بخصوص کوشش آنها در جهت سازماندهی اتحادیه ای کارگران نگرانی دارد. فعال کارگری بهنام ابراهیم زاده دوران 11 ساله محکومیت زندان را میگذراند. فعال کارگری شاهرخ زمانی را در سال گذشته در زندان کشتند. فعالین کارگری کورش بخشنده و محمد جراحی را که بهنگام زندان چندین ساله مبتلا به بیماری کشنده شده بودند، هیچگونه معالجه پزشکی نکردند بطوریکه پس از آزادی در همین سال به علت عدم مداوای پزشکی در دوران زندان درگذشتند که در واقع امر میباید رژیم جمهوری اسلامی را قاتل این دو فعال کارگری دانست. زندانبانان وظیفه دارند کارگران زندانی را مورد زشت ترین توهینها قرار دهند و در هر زمان که مناسب دانستند به آنان حمله ور شده و آزار جسمی و روانی دهند. کارگران معترض در چندین مورد از جانب دادگاههای اسلامی به شلاق محکوم شده و این احکام درباره آنها اجرا شده است. دونهونه: کارگران معترض دستگیر شده معدن آق دره و معدن بافق در همین سال محکوم به شلاق شدند. در همین سال فعال کارگری سعید شیرزاد زندانی شده و دوتن از اعضای هیأت مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران (واحد) به نامهای ابراهیم مددی و داود رضوی، به دادگاه فراخوانده شده اند. فعالین کارگری رضا شهابی عضو هیأت مدیره کارگران سندیکای اتوبوسرانی تهران (واحد) و محمود صالحی از پایه گزاران اتحادیه خبازان سقز را در چند ماه پیش دستگیر و زندانی کردند. این دو فعال کارگری که تا کنون چندین بار به علت فعالیت کارگری و کوشش برای ایجاد سندیکاهای کارگری زندانی شده اند، بشدت بیمار هستند. محمول صالحی از بیماری کلیوی رنج میبرد و می باید هرروزه دیالیز شود. رضا شهابی به علت ناراحتیهای ناشی از دستگیریها و ضرب و شتم در زندان، مبتلا به بیماری شدید دیسک و ستون فقرات و گردن است که چند بار تحت جراحی پزشکی قرار داشته و اکنون نیز احتیاج به مراقبت شدید و فوری پزشکی دارد. مقامات زندان از ادامه معالجه این دو فعال زندانی خود داری کرده اند بطوریکه هم اکنون زندگی رضا شهابی در خطر مرگ قرار دارد، بخصوص که رضا شهابی به علت عدم ادامه معالجه و ناراحتیهای زندان در روز 12 دسامبر دچار سکت شده و در وضع وخیم جسمی قرار دارد. بیشر می زندانبانان و فشار امنیتی بر این فعالین کارگری در این باره تا بدان حد بود که دست و پای آنان را بادتیند و زنجیر به تخت بسته اند.

کارگران جهان متحد شویم!

در پی مبارزات هواداران جنبش کارگری در ایران و خارج و پشتیبانی گسترده بسیاری از اتحادیه های کارگری جهانی و کشوری با خواست آزادی بدون قید و شرط این فعالین کارگری، رژیم ضدکارگری اسلامی مجبور شد که محمود صالحی راززندان آزاد کند. رضا شهابی همچنان در زندان است و بخصوص پس از سکنه مغزی، در وضعیت جسمی وخیمی بسر میبرد که عدم آزادی فوری وی به معنای تصمیم رژیم جمهوری اسلامی بر قتل عمدی رضا است. باشد که با تشدید فعالیتها و پشتیبانی جهانی بتوانیم هر چه زودتر آزادی او را به جمهوری اسلامی تحویل کنیم.

اعتراضات کارگری

زندگی کارگران ایران و خانواده های آنان در معرض چنان خطر بزرگی قرار گرفته است که بالاچاره ای به جز ادامه مبارزه حتی اگر همراه با دستگیری و شکنجه باشد، ندارند. زمانیکه کارگران هر روزه می بینند که با دستمزدهای اندک حتی قادر به سیر کردن شکم خود و خانواده شان نیستند ولی صاحبان سرمایه و مدیران آنها ماهیانه درآمدهای صدها و در مواردی هزار برابر کارگران دارند و با وجود چنان درآمدهای هنگفت از پرداخت دستمزد کارگران خود داری میکنند و حتی از حمایت دولت و مأموران امنیتی برخوردارند، این کارگران پی میبرند که یگانه راه برای احقاق حقوق پایمال شده شان، توسل به اعتراض است و از اینروست که هر ماهه بر تعداد اعتراضات کارگری افزوده میشود. اعتراضات کارگران ایران در سال 2017 چنان افزایشی داشته است که امکان شمارش آن مشکل است. تنها در یک ماهه ی 10 نوامبر تا 10 دسامبر شاهد 154 اعتراض کارگری در ایران بوده ایم. این اعتراضات تنها آن بخشی است که خبر آنها به خارج از کشور رسیده اند. خبر بسیاری از اعتراضات به علت عدم ارتباطات گسترده سندیکائی در ایران و خفقان شدید امنیتی در جلوگیری از رسانه ای شدن اعتراضات کارگری قابل محاسبه نیست. حتی اگر اعتراضات یکماهه را به طور نسبی در نظر بگیریم میتوان بیان داشت که در ایران در عرض یکسال با بیش از 900 اعتراض کارگری روبرو هستیم. این اعتراضات در اشکال گوناگون میباشند که از آن جمله اند: اعتصاب چند ساعته تا درازمدت، تجمع در محیط کار و اظهار اعتراض، بستن دربهای کارخانه و ممانعت از ورود و خروج مواد اولیه یا تولیدات، میتینگ در جلوی ادارات کار، شهرداری، فرمانداری، مراکز دولتی استانی و وزارتخانه ها، تظاهرات در سطح شهر، تحصن، چادر نشینی، مصاحبه، نامه نگاری به مقامات مربوطه دولتی و مجلس و نهادهای جهانی کارگری، جمع آوری امضاهای اعتراضی برای پخش یا ارسال به مجلس و... چند نمونه از اعتراضات کارگران ایران در چند ماه گذشته: تظاهرات و اعتصاب چندین باره کارگران هفت تپه، تظاهرات و اعتصاب چندین باره کارگران هپکودر اراک، تظاهرات 500 نفری کارگران پتروشیمی بوشهر، میتینگ هفت هزار نفری شرکت تراورس راه آهن در اسلام شهر، میتینگ ده هزار نفری کارگران پروژه های پارس جنوبی، اعتصاب 300 نفری کارگران نوب آهن اصفهان، تحصن 500 نفری کارگران کیان تایر، کارگران کمباین سازی تبریز 56 روز در اعتصاب بوده اند و...

سرمایه داران اغلب در پی تداوم اعتراضات کارگری کوشیده اند علاوه بر استفاده از اهرم اخراج و حمایت امنیتی دولتی، از طریق تفرقه اندازی در میان کارگران بمانند پرداخت بخشی از دستمزدهای عقب افتاده به جمع کوچکی از کارگران و محروم ماندن اکثریت کارگران، جاسوسی در میان کارگران

کارگران جهان متحد شویم!

، ایجاد اختلافات قومی و بومی، کنترل از طریق دوربین های مدار بسته و توهین به کارگران ، بدبینی را در میان کارگران رواج داده و معترضین بویژه فعالان کارگری را منفر دساخته و مبارزه کارگری را باشکست روبرو سازند. مسعود رضائی ، یکی از مدیران کارخانه هپکو در اراک بهنگام اعتصاب و تظاهرات فشرده کارگران در چند ماه پیش، فعالین کارگری را تروریست خطاب کرد که مورد تمسخر کارگران قرار گرفت. سیامک نصیری افشار، قائم مقام مدیرعامل شرکت هفت تپه بهنگام اعتصاب و اعتراضات در ماههای ژوئن و ژوئیه، کارگران معترض را اراذل و اوباش خواند که خشم کارگران را برانگیخت و خواهان برکناری او شدند که اکنون با پیگیری کارگران در حال انجام است.

اعتصاب و اعتراض اخیر (ماه دسامبر) کارگران هفت تپه پس از هفتمین روز با موفقیت نسبی کارگران پایان یافت. یکی از خواستههای کارگران برکناری قائم مقام مدیرعامل و برخی از دیگر مدیران شرکت بود که مدیریت واسد بیگی، مدیرعامل کارخانه انجام چنین خواستی را قول دادند . علاوه بر این مدیریت تعهد کرد که پرداخت دستمزدهای عقب افتاده را از همین ماه آغاز خواهد کرد و در نیمه ماههای آینده تا تسویه کامل ادامه خواهد داد. همچنین مدیریت شرکت قول داد که در تبدیل کارگران روزمرد به قراردادی اقدام کند . این توافقات بر مبنای پافشاری کارگران در حضور فرماندار شهر شوش و بطور علنی انجام گرفت و ضمانت آنرا شورای شهر بر عهده گرفت که بصورت بخشنامه اعلام خواهد کرد. این موفقیت نسبی را بایستی به کارگران مبارز هفت تپه که پایداری و فداکاری از خود نشان دادند شادباش گفت . اما نیاپستی از طرفندهای کارفرمایان شرکت و نیرنگهای دولتی غافل ماند. سرمایه داران دغلقاری و پای بند نبودن خود به قول و قرارها را حتی اگر کتبی هم باشد بارها نشان داده اند . نه تنها در هفت تپه بلکه در اکثر کارخانه هائی که موفقیت نسبی حاصل شده و به قول و قرار کارفرما اعتماد شده است، کارفرمایان عهد شکنی کرده اند . کارگران هفت تپه اعلام داشته اند که از هفته آینده کلیه قولهای کارفرمایان را زیر نظر خواهند داشت که در صورت عدم اجرا مجدداً اقدام به اعتصاب خواهند کرد . کارفرمایان به خوبی می دانند تا زمانیکه کارگران محروم از سندیکای سراسری خود هستند و دولت حامی سرمایه داران از طریق قانون گذاری به نفع سرمایه دار و توسل به زور پلیسی مانع ایجاد تشکل سراسری کارگری میشود، میتوانند عهد شکنی کنند و نه تنها به تعهدات خود وفادار نباشند بلکه با پشتیبانی دولت و مقامات امنیتی به فشار فزونی بر کارگران بیفزایند. کارگران ایران نیز امروز پس از تجربیات تلخ آموخته اند، همانگونه که بارها و بارها در کارخانه های گوناگون شاهد بوده ایم ، به قولهای کارفرما و سرمایه دار نمی توان و نباید اطمینان کرد و همواره می باید در اندیشه ی ادامه ی مبارزه باشند. این مبارزه ای تمام عمری بین کارگرو سرمایه دار است و تازمانی که حاکمیت سرمایه موجود است چنین مبارزه ای نیز بی وقفه ادامه خواهد داشت. بيمورد نیست که کارگران مبارز هفت تپه مهلت آزمایش یک هفته ای را اعلام داشته اند. این ، نشان از هشیاری این کارگران دارد . مبارزاتشان پیروز باد .

زنده باد جنبش کارگری

زنده باد سوسیالیسم

تشدید سرکوب و صدور احکام علیه زندانیان سیاسی محکوم است!

سرکوب و خشونت علیه اعتراضات کارگری، تعقیب، زندانی کردن و صدور محکومیت های سنگین برای کارگران و فعالین سیاسی به نحوه بی سابقه ای تشدید یافته است. زندانهای جمهوری اسلامی مملو از زندانیان سیاسی است و اعدامها بیوقفه بطور مستمر صورت میگیرد. اعتراض زندانیان سیاسی در زندانها و نیز دفاع از آزادی کلیه زندانیان سیاسی و اعتراضات علیه حکومت استبدادی اسلامی هیچگاه خاموش نشده و در جریان است.

در نظام گندیده و فاسد جمهوری اسلامی، اعتراض، خواست حقوق انسانی، دفاع از حق اشتغال و امنیت شغلی، خواست حقوقهای عقب افتاده و ... حبس و زندان را به همراه دارد. وثیقه های سنگین میلیونی برای آزادی زندانیان تعیین گردیده، در شرایطی که رژیم مجبور به آزادی زندانیان میشود، آزادی زندانیان به صورت موقت و مشروط است.

رژیم وحشی و سرکوبگر جمهوری اسلامی در تقلا است که به اشکال مختلف، کارگران و مردم تحت ستم ایران را از بیان و خواست مطالبات بر حق خود باز دارد. تا زمانی که فقر و بی حقوقی کارگران و زحمتکشان هر روز افزایش می یابد، کارگران و مردم زحمتکش از داشتن تشکل مستقل، حق برپایی اجتماعات و اعتصابات محرومند، سردمداران حکومت، نیروهای نظامی و امنیتی و سایر سرمایه داران خصوصی و دولتی، در پی خالی کردن سفره های مردم و سرکوب آزادی های فردی و اجتماعی آنها هستند، کارگران و اقشار تحت ستم از مبارزه برای احقاق حقوق خود دست برنخواهند داشت.

ما ضمن محکوم نمودن دستگیری ها و اجحافات، برای آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری و زندانیان سیاسی و نیز لغو احکام قضایی سکوت خواهیم کرد.

کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بی قید و شرط آزاد باید گردند!

بولتن اخبار کارگری نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران به زبان انگلیسی شماره 53 منتشر شد:

AWNI

E-Mail: solidarityciwm@gmail.com **Telegram:** <https://t.me/joinchat/AAAAAERghU8t8faNPol5UQ>

کلیت نظام جمهوری اسلامی باید برچیده شود!

زندانهای رژیم مملو از زندانیان سیاسی است!

با تشدید رعب و وحشت، زندان، شکنجه و اعدام،

رژیم جمهوری اسلامی در ایران می خواهد

خود را از بحران سیاسی و اجتماعی نجات دهد!

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط زندانیان سیاسی

متحد و متشکل شویم!

پیروزی ما در اتحاد و سازماندهی ماست!

علیه زندان، کشتار و اعدام

متحد و متشکل بپاخیزیم!



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

دسامبر 2017

کارزار بین المللی

برای آزادی کارگران زندانی
و دیگر زندانیان سیاسی

1 - 10 دسامبر 2017

فعالین کارگری و دوستداران جنبش کارگری در کشورهای
مختلف با خواست آزادی فوری و بدون قید و
شرط کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی به
برگزاری تظاهرات، آکسیون، پیکتهای اعتراضی،
جلسه، میز اطلاعاتی، شبهای همبستگی و ...
متحد و متشکل پرداختند.

تا آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی
کارزارهای بین المللی و اعتراضات سراسری ادامه
خواهد داشت.

کارزار بین المللی برای آزادی کارگران زندانی و سایر
زندانیان سیاسی 1 - 10 دسامبر 2017

کارگران جهان متحد شویم!



شهابی زنده باد سندیکا پاینده باد

شهابی شهابی آزاد باید گردد

آزادی شهابی خواسته فوری ماست

کارگر زندانی آزاد باید گردد

کارگر می میرد نلت نمی پذیرد

شهابی، بهشتی، عیدی آزاد باید گردند

کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردند

کارگر، دانشجو، معلم اتحاد اتحاد

هیکو زنده باد آذربایجان پاینده باد

از اراک تا تهران کارگران در زندان

وزیر کار ایران دشمن کارگران

شهابی آزاد نشه این وضع ادامه داره!

بیانیه 107 - احتمال سکتہ ی رضا شهابی

بنا بر نظر پزشک زندان!

روز چهارشنبه 22 آذرماه 1396 که طبق روال معمول خانواده رضا شهابی برای ملاقات وی به زندان رجایی مراجعه کردند، مشاهده کردند که یک سمت صورت او دچار افتادگی شده است. بنابر اظهار خانواده ی رضا شهابی، هنگامی که وی به دلیل این عارضه به بهداری زندان مراجعه کرده، پزشک زندان با دیدن علائم و وضعیت رضا، احتمال سکتہ داده است! اما با این وجود مسئولان زندان هیچ واکنش و اقدامی در این خصوص نشان نداده و همچنان او را به حال خود رها کرده اند.

سکتہ ی احتمالی رضا شهابی و افتادگی نیمه ی صورت او در حالی رخ داده که رضا شهابی در ماه های پیش از علائم و عارضه های گوناگونی رنج می برد که بسیاری از آنان خبر از اوضاع به مراتب وخیم تر جسمی او در آینده میداد؛ علائمی مانند خون دماغ شدن های مکرر، فشار خون بالا، بی حسی و تورم شدید نواحی مختلف بدن، مشکل کلیوی و ...

کمیته دفاع از رضا شهابی در بیانیه های پیشین بارها نسبت به وخامت وضعیت جسمی وی هشدار داده بود اما مسئولان امنیتی و قضایی نه تنها سلامت این کارگر زندانی برایشان کوچک ترین اهمیتی نداشته و ندارد، بلکه شواهد حاکی از آن است که انگار پروژه ای تدریجی برای حذف او را سازمان داده اند! آنان نه تنها با ممانعت از مراقبت پزشکی رضا شهابی در یک مرکز درمانی، عملاً به سمت وخامت روزافزون وضعیت جسمی او گام بر میدارند، بلکه از طرف دیگر با تغییر مداوم تاریخ آزادی و روزهای باقی مانده از محکومیت رضا، تلاش دارند تا شرایط روانی او و خانواده اش را نیز از هم بپاشند.

کمیته دفاع از رضا شهابی ضمن محکوم نمودن جنایتی که در حق رضا شهابی در حال انجام است، خواستار انتقال فوری و بی درنگ این عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به بیمارستان ذی صلاح و بررسی دقیق و جامع عارضه ی صورت و تمام مشکلات وی است. حتماً اگر با منطق ناعادلانه و سرمایه‌محور خود زندانبانان نیز بنگریم، مدت ها از پایان محکومیت رضا شهابی گذشته است و نه تنها باید فوراً آزاد شود، بلکه سیستم قضایی باید در قبال گروگان نگاه داشتن رضا شهابی در زندان پاسخگو باشد. عواقب هر پیشامد مستقیماً بر عهده ی مسئولان به اصطلاح امنیتی و قضایی است!

به هر شکل ممکن و با تمام توان و ظرفیت به تداوم وضعیت وخیم رضا شهابی، که عملاً چیزی جز جنایت نیست، اعتراض کنیم.

کمیته دفاع از رضا شهابی

23 آذرماه 1396

k.d.shahabi@gmail.com

@shahabidefah

<https://t.me/komitedefashahabi>



نامه 5 سندیکای فرانسه به علی خامنه ای درباره وضعیت رضا شهابی در زندان

سازمان های سندیکائی فرانسوی امضاء کننده، توجه شما را نسبت به وضعیت رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، یک زندانی شناخته شده در سطح جهان به علت فعالیت برای احقاق حقوق کارگران زندانی، جلب می کند.

رضا شهابی که از بیماری های بسیاری رنج می برد (نارسائی کلیوی، فشار خون، درد کمر و پشت، و هم چنین آرتروز شدید همراه با وخامت وضع چهار مهرهء پشت)، در تاریخ 22 آذر در زندان دچار سکته مغزی می شود. متأسفانه این حمله موجب فلج شدن نیمی از صورت او می شود.

با این که رضا شهابی در دوران زندان قبلی تحت عمل جراحی مهم و حساس قرار گرفت معهذا پس از عمل جراحی او را به زندان اوین منتقل می کنند که در آن جا به خاطر عدم معالجه و فقدان خدمات درمانی وضعیت سلامتی اش رو به وخامت می گذارد..

در حال حاضر وضعیت جسمانی او درمان پزشکی فوری و مناسب را ضروری می سازد و این امر در شرایط زندان ممکن نیست. انتقال فوری و بدون فوت وقت او به بیمارستانی در خارج از زندان، در تهران و یا در خارج از ایران، اینک امری مبرم و اجتناب ناپذیر است.

با توجه به وخامت وضعیت شهابی، چنانچه مقامات دولت ایران قادر به تضمین معالجه شهابی در داخل ایران نمی باشند، سازمان های سندیکائی فرانسوی از مقامات دولت ایران می خواهند که به او اجازه سفر به فرانسه را بدهند تا در فرانسه تحت معالجه قرار گیرد.

با تقدیم احترامات

پاریس ۱۵ دسامبر ۲۰۱۷

رونوشت به:

آقای حسن روحانی، رئیس جمهور
آقای صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه

CFDT : preau@cfdt.fr

CGT : fabienne.cru@orange.fr

FSU : michelle.olivier@snuipp.fr

Solidaires : contact@solidaires.org

پیام سندیکای نیشکر هفت تپه به کارگران اعتصابی

هم زنجیران

همانطور که بارها یادآوری شده ایم عامل تمامی این بدبختی‌ها و مشکلات برای ما کارگران و تمامی زحمتکشان و مزد بگیران، حاکمیت نظام سرمایه‌داری است. ما چاره‌ای نداریم جز اینکه در مقابل نظام سرمایه‌داری و تمامی ایادی آنها متحد و متشکل شویم. ما باید بتوانیم با دیگر کارگران در هر کجای ایران هستند ارتباط بگیریم. ما زمانی پیروز خواهیم شد که نیروی طبقاتی ما در بعد سراسری به حرکت درآید. با نیروی متشکل و متحد و پیوند طبقاتی ما کارگران است که می‌شود در مقابل بی‌حقوقی‌ها، ناپرابری‌ها و تبعیض‌ها ایستادگی کرد و پیش شرط‌هایی ما کارگران از فقر و فلاکت و استثمار، متشکل شدن و یک صدا شدن و داشتن تشکیلات است. سرمایه‌داران در تمامی زمینه‌ها متشکل هستند و از تمامی امکانات و ظرفیت‌ها برای سرکوب ما استفاده می‌کنند و سعی دارند به اشکال گوناگون مبارزه ما را به انحراف و به شکست بکشانند، پس اتحاد و همبستگی و پیوند کارگری پیش شرط پیروزی ما کارگران در مقابل توحش نظام سرمایه‌داری است. متحد شویم و صدا خود را با دیگر کارگران معترض، با کارگران بیکار و شاغل، با بازنشستگان و معلمان با مالباختگان و تمامی زحمتکشان یکی کنیم. مبارزه ضد سرمایه‌داری باید سراسری و متشکل شود، باید این پیوند را ایجاد کرد.

زنده باد پیوند کارگران بر علیه نظام سرمایه‌داری

سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه

22 آذر ماه 1396

پیام سندیکای کارگری شرکت نیشکر هفت تپه، به کارگران

هفت تپه، تشکل های و فعالین جنبش کارگری

همرزمان کارگر؛

اعتصاب کارگران نیشکر هفته تپه که از 18 آذرماه 1396 شروع شده بود در مورخ 23 آذر طی نشست نمایندگان کارگران با مسئولین کارخانه و فرماتادار شوش بصورت مشروط فعلا پایان گرفته است. در این نشست مسئولین به نمایندگان کارگران قول مساعد داده اند که حقوق های معوقه و مزایای تمام کارگران پرداخت خواهد شد

یکی دیگر از خواست های کارگران در این نشست به رسمیت شناختن "سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه" بوده است و نماینده گان کارگری بر این امر پای فشرده اند که این سندیکا باید از طرف مدیریت کارخانه و مسئولین به رسمیت شناخته شود، که مسئولین فعلا با این خواست توافق کرده اند. اما شناخت و تجربه، به ما کارگران آموخته است مسئولین و حامیان نظام سرمایه داری، وقتی خود را مجبور به جوابگویی می دانند که ترس از اعتصاب و اتحاد کارگری، سراپای آنها را به لرزه در آورده باشد.

پس ما کارگران باید آگاه باشیم و فریب آنها را نخوریم و همیشه به نیروی خود باور داشته باشیم و آگاه باشیم در صورت عدم اجرای خواست هایمان، باید به اعتراض و اعتصاب ادامه دهیم.

اما با توجه به تمامی موارد ذکر شده باید به کارگران هفت تپه تبریک و شادباش گفت. تبریک به شما و همسران و دیگر اعضای خانواده های کارگری که در چند روز گذشته در کنار هم بودید و با توجه به تمامی دسیسه های تفرقه افکنانه آشکار و پنهان حامیان سرمایه، شما از صف کارگری جدا نشدید و با اتحاد و همبستگی توانستید به صاحبان سرمایه، ثابت کنید که ما درد مشترک داریم و این دردمشترک تنها درمان نمی شود.

به این ترتیب ما اعضای "سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه" این پیروزی بسیار موقت و همچنین عقب نشینی موقت صاحبان سرمایه در این عرصه را به شما شاد باش گفته و دست یکایک شما را به گرمی می فشاریم.

تشکل های کارگری و فعالین کارگری؛

ما بعنوان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از همگی شما که در این مدت اخبار اعتصاب کارگران را به اشکال گوناگون از طریق سایت های مربوطه و دیگر صفحات اجتماعی از جمله تلگرام، فیس بوک و اینستاگرام انتشار داده اید بسیار ممنون هستیم. همچنین از تمامی تشکل ها و فعالینی که تلاش کردند اخبار و گزارشات کارگران هفت تپه را از طریق کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه @syndica_7tape دنبال کنند و این اخبار را از طریق صفحه رسمی تلگرام سندیکا بازانتشار دهند کمال تشکر را داریم.

اما باید یادآور شویم که سندیکای هفت تپه طی یک مبارزه طولانی و رو در رو و تحمل رنج ها و مشقات فراوان، اخراج و زندانی شدن تعدادی از پیشروان کارگری ایجاد شد و با توجه به تمام فشارهای امنیتی، این سندیکا تا کنون به کار و فعالیت خود ادامه داده است. اما متأسفانه اندک افرادی که خود را مدافع جنبش کارگری دانسته به هر دلیلی، آگاهانه نقش و جایگاه سندیکای کارگری هفت تپه را نادیده می گیرند که این نگاه کاملا غیر کارگری می باشد.

پیشروان و فعالین جنبش کارگری باید کارگران را به ایجاد تشکل های مستقل کارگری رهنمود شوند و آنجا که تشکل های کارگری ایجاد شده اند، باید کارگران را تشویق به عضویت در تشکل محل کار کنند.

بنا بر این باور ما بر این است که منافع جنبش کارگری با نگاه های تنگ نظرانه و گروهی همخوانی نداشته و ندارد. پس باید با نگاه جنبشی به منافع طبقه کارگر نگاه کرد تا بتوانیم در کنار هم، مبارزه طبقاتی کارگران را به پیش ببریم. ما در شرایطی زندگی می کنیم که سرمایه داری شمشیر خود را از رو بسته و سعی می کند بیشتر از گذشته سفره بی رونق ما را بی رونق تر کند، دلیل گفته ما بوجه پیشنهادی دولت برای سال 97 می باشد که آشکارا قرار است بار تمام مشکلات را بردوش کارگران بیاندازد و نه تنها نان را از ما بگیرند بلکه همان خدمات ناچیز را از ما دریغ کنند. پس لازم است با برنامه عمل کارگری، برای داشتن نان و آزادی مبارزه کنیم. ما بعنوان سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه خواستار اتحاد عمل هر بیشتر تشکل ها کارگری در ایران هستیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران

نابود باد نظام سرمایه داری

سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه

آذر ماه 1396

syndica_7tape@

گزارشی از اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

خانم! آقا! من مرده‌ام. نگاه نکن که دارم حرف می‌زنم.» در میان جمعیتی که از خوف دوربین‌های مداربسته محوطه کارخانه نیشکر هفت‌تپه، چهره‌های‌شان را با چفیه بسته‌اند، مرد 50 ساله با صورت باز و صدای بلند می‌گوید که مرده است، هم او و هم کسانی که فقط چشم‌های‌شان پیداست در انتظار 5 ماه حقوق معوق مانده‌اند. انتظار حالا با خشم همراه شده، انتظار خودش را به مزارع وسیع نیشکر رسانده و آن را از جمعیت نی‌بران خالی کرده، ماشین‌های حمل بار را خوابانده و کارخانه را به تعطیلی کشانده.

در هفت‌تپه، حوالی شهر شوش در استان خوزستان، همه‌چیز با «شکر» شروع و تمام می‌شود. شکر برای مردان منطقه یعنی کار، برای خانواده‌ها یعنی نان و حالا در تجمع کارگران دست از کار کشیده یعنی حق زندگی. برای جمعیتی که در روستاها و شهرهای حوالی شرکت نیشکر هفت‌تپه زندگی می‌کنند، زمین‌ها و کارخانه مساوی کلمه اقتصاد است، از هر خانواده دست کم یک نفر کارگر همین‌جاست و همین شده که عقب افتادن حقوق‌ها، تمامی جمعیت شهری و روستایی را درگیر خودش کرده. روزهای یکشنبه و دوشنبه، یعنی روز دوم و سوم تجمع، خبرنگاران به میان کارگران معترض رفتند تا داستان شکر را از نزدیک دنبال کنند. در پس چهره‌های پوشیده در چفیه، کارگران ساده‌ای هستند که می‌گفتند: «هشت سال خوزستان نگذاشت که پای دشمن به تهران برسد، حالا شما از تهران آمده‌اید صدای خوزستان شوید.»

قبل از اینکه به کارخانه برسیم رابط‌های خبری‌مان در بین کارگران هشدار داده بودند به جمع معترضان وارد نشویم. می‌گفتند کارگران آنقدر بدبین هستند که هر آدم غریبه‌ای را به چشم جاسوس و «آدم‌کارفرما» می‌بینند. می‌گفتند چنان عصبانی‌اند که به شما فرصت حرف زدن نمی‌دهند. پیشنهادشان این بود که تجمع کارگران را از دور تماشا کنیم و بعد که پراکنده شدند به صورت فردی سراغ‌شان برویم. این رابط‌های خبری، گروه ما را مهمان خود می‌دانستند و نگران بی‌احترامی به ما بودند. اوضاع به این بدی‌ها که گفته بودند پیش نرفت. ده دقیقه بعد از رسیدن به کارخانه، تا به خودمان آمدیم بالای سکویی ایستاده بودیم و حدود سیصد کارگر دورمان حلقه زده بودند.

روز اول:

ماجرا این‌طور شروع شد که ساعت نه و نیم صبح روز یکشنبه 19 آذر؛ در دومین روز متوالی از دور جدید اعتراضات صنفی کارگران مجتمع کشت‌و صنعت هفت‌تپه، ما دورتر از در اصلی کارخانه ایستاده بودیم و تجمع کارگران که تازه در حال شکل‌گیری بود را تماشا می‌کردیم. پنج- شش زن که صورت‌های‌شان را با روسری پوشانده بودند در مقابل در ورودی کارخانه جمع شده بودند و با صدای بلند با کارگرانی که قصد ورود به کارخانه را داشتند حرف می‌زدند. با احتیاط، کمی نزدیک‌تر شدیم و چند کلمه اول که بین‌مان رد و بدل شد، ناگهان در وسط حلقه‌هایی متراکم از ده‌ها کارگر قرار گرفتیم. کنج‌کاو بودند بدانند از کجا و برای چه کاری آمده‌ایم. کارت‌های خبرنگاری‌مان را دیدند و شروع به حرف زدن کردند. تازه از راه رسیده بودیم و حجم اطلاعاتی که از حلقه‌های مختلفی که دورمان شکل

کارگران جهان متحد شویم!

گرفته بود چنان زیاد بود که گیج شده بودیم که کارگران برای ورود زنی راه باز کردند. اصرار داشتند که با او حرف بزنیم. زنی چادری در آخرین سال‌های جوانی، با صورتی که با ماسک پزشکی پوشانده بود حرف‌هایش را اینطور شروع کرد:

«من بیمار سرطانی‌ام. شوهرم پنج ماه است حقوق نگرفته. پول داروهای شیمی درمانی‌ام را با بدبختی جور می‌کنم. پول دستی از این آن می‌گیریم. همسایه‌ها پول می‌گذارند روی هم. شوهر من در مجموع 15 میلیون تومان از کارخانه طلبکار است. صدای‌مان به هیچ جا نمی‌رسد. خیلی‌ها را خریده‌اند. به مدیر کارخانه گفتم سرطانی‌ام، این هم پرونده پزشکی‌ام. پول شیمی درمانی ندارم. می‌گویند برو وام بگیر. چه وامی بگیرم؟ منکه نمی‌توانم خرج نام را بدهم چطور قسط بدهم؟ کی به من وام می‌دهد. بانک‌های اینجا ضمانت کارگران هفت‌تپه را قبول نمی‌کنند. بیمه‌مان چند ماه است قطع شده. ماه پیش داروهای شیمی درمانی‌ام را آزاد گرفتم. بالایی یک میلیون تومان. هفته دیگر، 28 آذر شیمی‌درمانی دارم. باز نمی‌دانم چه‌کار کنم. ما عضو صندوق بیمه تکمیلی کارخانه هستیم. یک سال است مطالبات کارگران از بیمه تکمیلی پرداخت نشده. بیمه‌تأمین اجتماعی هم پنج ماه است قطع شده. من با چه امیدی در مانم را ادامه بدهم؟ چرا باید انقدر فلاکت بکشم؟ بابت چی؟»

در زمانی که این زن حرف می‌زد، ما بیرون از کارخانه ایستاده بودیم و زمزمه‌هایی درباره خیردار شدن سایر کارگران و قصدشان برای خروج از کارخانه و پیوستن به ما در فضا پیچیده بود. خروج کارگران معترض از کارخانه به نفع هیچ‌کدامان نبود. یکی از سردسته‌های کارگری به آنها پیام فرستاد که از کارخانه خارج نشوند. هرچند چند نفر از ماموران حراست کارخانه مخالف حضور ما بودند و با لحن‌های متنوع سعی داشتند ما را از ورود منصرف کنند، با حلقه‌ای که کارگران دور گروه ما تشکیل دادند وارد شدیم. جمعیت ما را به سمت سکویی در گوشه‌ای از حیاط پهناور کارخانه هدایت کردند. ما برای شنیدن صدای کارگران بالایی سکو قرار گرفتیم و حدود دویست کارگر دور سکو جمع شدند.

یکی از نمایندگان کارگری هم بالایی سکو بود و سعی داشت اعتماد کارگران را به گروه ما جلب کند. هنوز چند کلمه‌ای نگفته بود که صدای مهمه‌ای از دورتر بلند شد. گروهی صد نفره از کارگران با خشم و فریاد به سمت ما می‌دویدند. چندین نفر از کارگرانی که دور ما ایستاده بودند برای آرام کردن‌شان به طرف آنها رفتند اما کارگران جدید همچنان با عصبانیت و فریاد به سمت ما می‌آمدند. کارگران دیگری که قبل از این در بیرون از کارخانه شاهد قضایا بودند سعی می‌کردند علت حضور ما را به آنها توضیح بدهند. همزمان کارگرانی که دور سکو ایستاده بودند سعی می‌کردند به ما اطمینان دهند که آنها دچار سوءتفاهم شده‌اند. به ما می‌گفتند «نترسید. اینها هم کارگرند. کاری با شما ندارند.» جمعیت صد نفره تازه‌وارد کمی آرام‌تر از قبل، به جمع دویست کارگری که دورمان حلقه زده بودند پیوستند. اما جو همچنان ملتهب بود و اوضاع خارج از کنترل به نظر می‌رسید. نماینده کارگران شروع به صحبت کرد. هنوز چند کلمه نگفته بود که ناگهان سنگی از طرف جمع به سمت ما پرتاب شد. کارگران به سرعت کسی که سنگ را پرتاب کرده بود از جمع جدا کردند و با او درگیر شدند.

کارگران جهان متحد شویم!

یکی از کارگران به ما که ترسیده بودیم توضیح داد: «کارگرها برای این عصبانی اند که قبل از این يك روزنامه محلی از ما گزارش تهیه کرد و دروغ نوشت. چرت و پرتای الکی نوشت. نوشت کارگرها حقوق گرفتند. برای همین بچه‌ها اینجوری اعصابشان خرد شده.»

با ادامه سخنرانی نماینده کارگران جو کمی آرام‌تر شد. کارگران می‌خواستند کارت خبرنگاری ما را ببینند تا مطمئن شوند از طرف آن روزنامه محلی نیامده‌ایم. کارت را نشان دادیم و فضا برای گفت‌وگو با کارگران آماده شد.

روز دوم:

دوشنبه 20 آذر، در سومین روز اعتراض بدون مشکلی با همراهی کارگران به کارخانه وارد شدیم و در بالای سکو، جای دیروزی مان قرار گرفتیم. کارگران بیشتری آمده بودند. حدود پانصد نفر یا بیشتر. زنی با صورت پوشیده هم از سکو بالا آمد. برای نخستین بار در جامعه‌ای سنتی زنی با صدای محکم و کلمات قاطع چند کلمه‌ای خطاب به پانصد کارگر حرف زد. بعد از هر جمله او کارگرانی با قومیت‌های مختلف که همگی در تعصب اشتراك داشتند، جملات این زن را با شعارهای حمایتی همراهی می‌کردند. به گفته کارگران این نخستین بار بود که زنی برای جمع کارگران معترض سخنرانی می‌کرد. بعد از پایان این سخنرانی و سخنرانی یکی از مردان نماینده صنفی، گروه ما در کناره‌های سکو شروع به گفت‌وگو با کارگران کردند. کارگران پراکنده حرف می‌زدند و در این گزارش، سخنان آنان را به همان شیوه‌ای که بیان شده می‌آوریم:

«يك سال و خرده‌ای است کارخانه را دادند بخش خصوصی. اینها آمدند نان‌مان را بریدند. با حقوق دادن بین ما تفرقه انداخته‌اند. به یکی می‌دهند به ده‌تا نمی‌دهند. بین عرب و عجم تفرقه انداخته‌اند. می‌گوییم آقا حقوق بده. می‌گوید ده روز دیگر. دروغ. حضرت عباسی دروغ. من بچه‌هام مریضند. نمی‌دانند این دروغ‌ها چه بلایی سر ما می‌آورد.»

«از دو سال پیش دو ماه ازش طلب داریم. اسفند و بهمن 94 را ندادند. حالا هم پنج ماه است حقوق ندادند. به کارفرما می‌گوییم حقوق بده می‌گوید باید حکم دادستانی بگیریم. حکم دادستان به چه درد من می‌خورد. من برای این کارخونه کار کردم اینجا باید حقوقم را بدهند.»

«حقوق من همش يك و پانصد است. شش ماه حقوق ما برای این آقایان پول خرد است. اضافه‌کاری را کم می‌کنند، ده درصد از عیدی می‌زنند، اضافه کارمان را قطع کردند. چند ماه است بیمه نداریم.»

«الان، پنج، شش، هفت، هشت، نه... پنج شش ماه است حقوقی نگرفته‌ایم. ما چی باید بخوریم؟ شما به جای ما. حق بیمه را هم نمی‌دهد. تامین اجتماعی بیمه‌مان را قطع کرده. هر چه می‌گوییم بچه‌ام مریض است. هر جا برویم بدون بیمه پول خون از ما می‌گیرند. يك آمپول دارم می‌گیرم يك و دو بیست. می‌گوید به ما مربوط نیست. برای مساعده اقدام می‌کنیم می‌گویند نداریم. شرکت ورشکسته است. شما برو زمین‌های کارخانه را ببین. حتی اگر فقط بخواد کرایه‌شان بدهد می‌تواند پول همه کارگران را بدهد. اینجا خاکش طلاست.»

کارگران جهان متحد شویم!

«این آقا هر چه بگویم جوابگو نیست. دیروز آمدم دفترش سیگار روشن کرده و ما را آدم حساب نمی‌کند. رفته شیخ‌المشایخ را آورده که وساطت کند. می‌خواهد دوتا قبیله را به جان هم بندازد. شیخ هم دید کسی حرفش را گوش نمی‌دهد گذاشت و رفت.»

«نه حق سرویس می‌دهد، نه لباس کار می‌دهد، بن نمی‌دهد... جمع‌کاری که همیشه بوده را حذف کرده و بیمه‌مان پنج ماه عقب است. از برج يك تاحالا هیچ حق بیمه‌ای نداده است. الان هم بدون بیمه‌ایم.»

«کجای قانون کار گفته کسی که می‌خواهد بازنشسته شود باید تعهد دهد که سنوات خدمتش را نمی‌خواهد؟ مدیرعامل از من که طبق قانون تقاضای بازنشستگی دارم تعهد می‌گیرد تا دو سال حق سنوات را پیگیری نکنم. سنوات کارگر باید طبق قانون هر وقت که می‌خواهد بازنشسته شود توی جیبش باشد. من 25 سال کار کردم به امید این سنوات. حساب کردیم روی این پول. عروسی بچه‌ها و عمل جراحی و خرج‌های ضروری را گذاشته بودیم وقت گرفتن پول سنوات. حالا تعهد می‌گیرد که دو سال باید صبر کنیم. ما که امضا کنیم و برویم از کجا معلوم تا دو سال دیگر اینها اینجا باشند؟ اگر مدیر بعدی زیر بار نرفت چه؟ مگر اینها زیر بار تعهدات مدیر قبلی رفته بودند که مدیر بعدی تعهدات اینها را قبول کند؟»

شهر قسطی

«نان نسیه نمی‌دهیم.» خیلی از کارگران این عکس را روی گوشی‌هایشان دارند، تصویر يك برکه و نوشته رویش که بر ورودی یکی از نانوائی‌های هفت‌تپه چسبیده تا دست رد به سینه مشتریانی بزنند که تقریباً همه مایحتاج زندگی‌شان را با قسط و قرض و نسیه می‌گیرند. این زندگی قسطی سر از تمامی شهر و روستاهای اطراف هم درآورده، هر جا پای کارگران هفت‌تپه در میان باشد، مغازمداران و فروشندگان هم باید برای خودشان دفترهای حساب و کتاب داشته باشند تا دانه به دانه نان‌ها، روغن‌ها، میوه‌ها و حتی نخ‌های سیگاری که ازشان به نسیه می‌برند را یادداشت کنند. وقتی کارخانه حقوق بدهد این حساب‌ها نصفه و نیمه و آرام‌آرام تسویه می‌شوند، اگر وضعیت مثل چند ماه گذشته وخیم باشد حساب‌ها روی هم تلنبار می‌شوند تا برخی از کسبه برای ادامه کارشان قانون و مقررات بگذارند و برای فروش‌های قسطی‌شان سقف بگذارند.

شهر کوچک «حُر»، نزدیک به یکی از بسیار زمین‌های غرق در ساقه‌های بلند نیشکر است. از آن شهرهایی که زندگی‌اش با کارخانه تعریف شده و بخشی از کارگران شرکت هم ساکنان همین شهرند. در «حُر» دیگر خبری از چهره‌های پوشیده در میان دستارها و چفیه‌ها نیست. «شما را امروز توی کارخانه دیدم. ببخشید اگر سخت گذشت، ما همیشه این طوری نیستیم، خیلی مهمان‌نوازم.» یکی از صورت‌هایی که از پشت نقاب درآمده جوان خوش‌رویی است ساکن حُر که دانه به دانه مغازه‌هایی که دفتر حساب و کتاب دارند را نشان می‌دهد؛ خواروبارفروشی، نجاری، نانوائی. صاحبان این مغازه‌ها نسیه می‌دهند و خودشان هم تبدیل می‌شوند به خریدار نسیه از کارخانه‌ها و شرکت‌ها. سه برادر صاحب یکی از سوپرمارکت‌های شهر هستند، زندگی‌شان مستقیم و غیرمستقیم با نام نیشکر گره خورده. خواهرشان همسر یکی از آبیاران شرکت است و به دلیل معوق ماندن حقوق، خواهرزاده‌شان

کارگران جهان متحد شویم!

از مهدکودک رفتن بازمانده چون در این شرایط تا قبل از رسیدن به سن مدرسه، هر کاری به نظر خرج اضافی می‌آید. خودشان هم برای هر کدام از اجناسشان دفترهای قطوری دارند با لیست بلندبالایی از بدهکاران: «قبلا هر ماه لیست جنس می‌آوردند پیشیمان که مثلا 3 کیلو نخود، 3 کیلو لوبیا بده، الان می‌گویند قد دو هزار تومان لوبیا و یک هزار و 500 تومان نخود بده، قبلا هر ماه که حقوق می‌دادند، حسابشان را صفر می‌کردند و حالا مثلا از 600 هزار تومان بدهی گاهی می‌آیند 100 هزار تومانش را می‌دهند و می‌روند. اینجا همه آشنا هستند، همه فامیل هم هستند. ما هم نمی‌توانیم بگوییم نمی‌دهیم. زنگ هم نمی‌زنیم که الان هم یک سال شده و هنوز بدهکاری.»

آن سمت خیابان حال و روز شاطر شهر هم مشابه است، اما صاحب نانوائی برای نان‌های لواش 185 تومانی سقف نسبه تعیین کرده: «حقیقتش قرار شده دیگر بالاتر از 50 هزار تومان بدهی را از کسی قبول نکنیم.» می‌گوید که گاهی وقتی حساب یکی از سقف 50 هزار تومان بالاتر می‌زند خودش باقی پول را می‌گذارد تا بعد از دریافت حقوق پولش را از خانواده‌ها بگیرد: «با همین اوضاع هم مشتریان نان خیلی کم شده‌اند، گاهی خمیری که درست می‌کنیم را باید بگذاریم برای روز بعد. اینجا همه برای شرکت کار می‌کنند، وقتی حقوق ندهند مردم نان هم کمتر می‌گیرند، دیروز یک زنی آمد و از اول گفت اگر نان قرضی می‌دهی، برم وگرنه که هیچ.»

«ما فقیر نیستیم، پول نداریم.» این جمله را یکی از کارگران معترض گفته بود، نشانه‌اش را در همین شهر حر می‌توان دید. شهر کوچک مغازه دارد، خرید و فروش در جریان است، فقط در این میان به ندرت پول ردوبدل می‌شود. قومیت و رابطه خانوادگی و همدردی در این شهر جای «ریال» را گرفته است. از بزرگ تا کوچک در جریان وضعیت کارخانه و کارگران نیشکر هستند. از هر بچه در حال بازی هم که بپرسی حرف از حقوق معوق کارگران می‌زند. بچه‌ها یا خودشان در خانواده این کارگرانند یا همکلاسی‌هایشان. این داستان تا شهر شوش هم کشیده است. راننده خطی اهواز، پسری که روی دوچرخه‌اش در پیاده‌روی شهر نشسته و بساط سبزی‌فروشی را می‌پاید، همه تا اسم هفت‌تپه را می‌شنوند نام رمز 5 ماه را تکرار می‌کنند. در منطقه‌ای که سکونتگاه لرها و عرب‌ها است، نام نیشکر به گونه‌ای وحدت‌آفرین است. در میان گلایه‌ها و اعتراضات، گهگاه صحبت‌های قومیتی به میان می‌آید: عرب‌ها این‌طورند، لرها آن‌طورند. اما این حرف‌ها خیلی زود پشت نام کارخانه گم می‌شوند. جوان خوش‌رویی عرب که در تمام شهر همراه بود تا ساکنان حر به خبرنگاران اعتماد کنند و حرف بزنند خیلی سریع در مورد تفاوت‌هایی که در کارخانه یا در شهرهای دورتر از هفت‌تپه در میان عرب‌ها و غیرعرب‌ها قائل می‌شوند، توضیحاتی داد و بعد گفت که همه این حرف‌های عرب و عجم را باید کنار گذاشت: «ما با نمازمان زنده‌ایم، با وجدان‌مان زنده‌ایم. دوست ندارم اصلا از این حرف‌ها بزنم. اما ما در خوزستان به همین اتحاد زنده‌ایم و باید حفظش کنیم. وقتی می‌رویم سر کار باید طوری کار کنیم که نان‌مان حلال باشد، برای همین باید همه روی موضوع شرکت تمرکز کنیم.»

اسماعیل مچولی- زهرا چوپانکاره

گفتگوهای کارگری گزارشگران با سه تن از اعضای نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

جنبش کارگری در ایران: ضعفها و قوتها - گفتگو با علی رسولی

زمانیکه به تشکل سیاسی نه به عنوان وسیله بلکه به عنوان هدف بنگریم، ناچاراً درچنبره فرقه گرایی گرفتار خواهیم شد. متأسفانه امروزه اکثر تشکلات سیاسی ایرانی که عمدتاً خارج کشوری هستند، فرقه گرایی را پیشه کرده‌اند و این، اثرات منفی خود را مستقیم یا غیرمستقیم بر جنبش کارگری درون کشور نیز میگذارند. زمانیکه تشکل چند نفره خود را تافته جدابافته بدانیم و بکشیم دیگران را نادیده بگیریم، با بزرگنمایی از طریق شخصیت و چهره سازی و هیاهو، خود را بزرگتر و والاتر از همگان بدانیم، نشان داده‌ایم که در اندیشه رهیابی برای سازماندهی کارگران و سایر اقشار زحمتکش که بدون چنین سازمانی نه تنها انقلاب بلکه پیشرفتی مؤثر نیز تحقق نخواهد یافت

دستگیری دوباره محمود صالحی فعال کارگری شناخته شده که سالیان دراز رنج و محرومیت و زندان و شکنجه را بر دوش کشید تا از حقوق محرومان و هم زنجیران خود دفاع کند، انگیزه این گفتگوهاست. روشنی افکندن بر نقاط کور و ضعف های جنبش میلیونی کارگران ایران برای دستیابی به ابتدائی ترین حقوق انسانی خویش دلیل این تلاش اندک و نظرخواهی از فعالین کارگری و سیاسی از سوی گزارشگران است. موج اعتراضات کارگری به بی عدالتی های موجود سالهاست بشکل فزاینده در جریان است. گاه همانند آتشفشان در مکانهای تولیدی و خدماتی غلیان میکند و فضای خبری و رسانه ای را بخود تعلق میدهد. زنجیر فقر و ستم نظام سرمایه داری برپایشان و بار گران تورم و هزینه های زندگی روزمر را بر گرده خویش میکشند. ظلم و تعدی و بی حرمتی به آنان از سوی مسئولین حاکم بدون مرز ادامه و جریان دارد. در این میان اما فعالان و نمایندگان کارگران بیش از همه در تیررس نابکاران و دشمنان کارگران و زحمتکشان قرار دارند. کارگران معترض به این بی عدالتی ها را می کشند. شلاق میزنند. به زندان می افکنند. شکنجه می کنند. اسیران زندانی را می کشند. محکوم به مرگ خاموش می کنند. آنان را بیکار و از حق زندگی شرافتمندانه محروم می کنند. صدای اعتراض و شکایات آنها در فضای خبری سرمایه زده داخل کشور بندرت بگوش کسی میرسد. همبستگی بین المللی کارگران خارج از کشور با کارگران ایران اگر چه قدرتمند است اما با بی اعتنائی مطلق دست اندرکاران حکومتی مواجه است. برآستی برون رفت از این وضعیت چگونه میتواند باشد؟ هم از اینرو با فعالین کارگری و سیاسی گفتگو میکنیم.

علی رسولی فعال کارگری و عضو نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور است با او گفتگو می کنیم.

گزارشگران :

طی سالهای اخیر شاهد افزایش تصاعدی اعتراضات کارگری هستیم. شمارش آنها دیگر ممکن نیست. هرروزه بخشی از این وقایع در محیط های تولیدی و خدماتی انعکاس خبری می یابند و اینها تنها قسمتی از این اخبار هستند. ارزیابی شما از موقعیت جنبش کارگری در کشورمان چیست ؟

علی رسولی:

در ابتدا سپاس از دعوت به این مصاحبه .

در فاصله دعوت به مصاحبه و ارسال پاسخها، خبر آزادی فعال کارگری رفیق محمود صالحی همه ی دوستان را جنبش کارگری را شادمان کرد. همبستگی گسترده در ایران و خارج از کشور با فعالین کارگری و پشتیبانی کم نظیر جهانی از این رزمندگان طبقاتی عامل عمده در به عقب راندن رژیم ضدکارگری اسلامی و آزادی محمود از زندان بود. آزادی محمود را به شما و تمامی یاوران جنبش کارگری شادباش میگویم و امید بر اینکه با تداوم و گسترش این همبستگی و پشتیبانی جهانی رژیم اسلامی را مجبور به آزادی تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی بکنیم.

اعتراضات کارگری در ایران همانگونه که شما اشاره کردید آنچنان گسترش داشته است که شمارش آنها امکان پذیر نیست. تنها علت عدم امکان شمارش را نباید در فزونی اعتراضات دانست. این فزونی جنبه ی مثبت و دستاورد ارزنده جنبش کارگری است و نشان میدهد که کارگران از استثمار و ستم حکومتی و سرمایه داران کاملاً بستوه آمده اند و بدون بیم و هراس از تهدیدات و تضعیقات رژیم ضدکارگری اسلامی برخاسته های اقتصادی و صنفی خود پای می فشارند. کارگران با اعتراض شفاهی، اعتصاب، تجمع در محله های کاری و جلوی ادارات مربوطه و اماکن عمومی، راه پیمائی و تظاهرات، نامه نگاری و طومار نویسی و... نارضایتی و خواست های بحق خود را اعلام میدارند و علنی میکنند و چه بی شمارند آنچه که بصورت خبر عمومی انتشار مییابند. لیکن بسیاری از اعتراضات یا انتشار بیرونی نمی یابند و یا دیر هنگام به گوشها میرسند. علت در چیست؟ دو عامل مهم نقش دارند. یکم می باید به عدم ارتباطات لازم و مداوم فعالین کارگری با توده های میلیونی کارگران و مابین فعالین کارگری و دوم کنترل شدید حکومتی اشاره داشت. کنترل حکومتی همواره یکی از ابزار سیادت طبقات استثمارگر حاکم و دولت حامی آنان بوده و هست و انتظار قطع یا کاهش آن بدون مبارزه ی پیگیر علیه آن انتظاری بیهوده است. حتی در باصطلاح دموکرات ترین کشورهای سرمایه داری غربی نیز به نوعی کنترل حکومتی بصورت قانونی و حتی غیرقانونی رایج است. برای مبارزه علیه کنترل حکومتی می باید روی به توده های میلیونی کارگران آورد و آگاهی سیاسی کارگران را فزونی داد و آنان را متقاعد ساخت که بدون مبارزه سیاسی متشکل علیه سیستم سرمایه داری و براندازی رژیم سرمایه داری حاکم، نه تنها کنترل و فشار سیاسی بر کارگران از بین نخواهد رفت بلکه حتی دستاوردهای مبارزه صنفی و اقتصادی نیز همواره در معرض خطر قرار دارند.

حتی اگر به آن تعداد اعتراضات کارگری که بعلت عدم ارتباط و کنترل حکومتی انتشار عمومی نمی یابند، دسترسی یابیم و آنها را بر تعداد انتشار یافته بیفزائیم نهایتاً به این نتیجه خواهیم رسید که اعتراضات کارگری در ایران میتواند در تاریخ بی سابقه باشد. بسیار خوب و نشان از پیگیری و استقامت کم نظیر کارگران ایران برای بهبود اوضاع اقتصادی آنان دارد. در برابر اینهمه فداکاری و پایداری بایستی سرتعظیم فرود آورد ولی همزمان یادآور شد که تنها از طریق مبارزه صنفی و اقتصادی، آزادی، بهبود زندگی و رفاه حاصل خواهد شد و استثمار و ستم بر کارگران همچنان بر جای خواهد ماند. جنبش کارگری ما در حال حاضر در چنین سطحی است. هم تدافعی است و هم اقتصادی. زمانیکه میگوئیم تدافعی است برخی چهره عبوس میکنند و سرزنش که مگر اینهمه افزایش اعتراضات را نمی بینیم. افزایش مبارزات بمعنای تعرض نمیتواند تلقی شود، بلکه ماهیت اعتراض و خواستهای آن نشاندهنده ی دفاعی یا تعرضی هستند. اکثر اعتراضات کنونی درباره دستمزدهای عقب افتاده و سپس علیه قراردادهای سفید امضاء و کوتاه مدت میباشند. این بدان معنا است که سرمایه دار و دولت حامی آن از طریق قانون تحمیلی یا غیرقانونی به حقوق دستمزدهای کارگران تعرض میکنند و کارگران خواهان بازپس گرفتن آنچه مورد تعرض قرار گرفته است بوده اند. زمانیکه به تدافعی بودن اعتراضات کنونی اشاره داریم به هیچوجه به معنای بی ارزش یا کم ارزش دانستن آنها و یا منفی بافی و منفی نگری نیست بلکه بامهم و پر ارزش دانستن این مبارزات ضروری میدانیم یاد آور شویم که این مبارزات کافی و چاره ساز رهائی کارگران نیستند و برای رهائی می بایستی مبارزه های دیگر را نیز مصرانه و مداوم در دستور کار قرار داد. گفته شد اعتراضات کنونی در محدوده ی اقتصادی هستند. چنین بررسی نیز به معنای کم ارزش دانستن آنها نیست. این مبارزات ارزشمند هستند و می بایستی باز هم در گسترش آنها کوشید و لیکن کافی نیستند و رهگشای رهائی کارگران از استثمار و ستم طبقاتی نمی باشند. گیریم فلان مبارزه اقتصادی در فلان کارخانه برای دستمزدهای عقب افتاده و یا حتی

کارگران جهان متحد شویم!

برای افزایش دستمزد با موفقیت پایان گیرد. این بنوبه خود یک پیروزی کارگری است، اما یک پیروزی که همواره از طریق سرمایه دارودولت حامی آن درخطر بازپس گرفتن قرارداد دارد. اینان ترندهای گوناگون قانونی و غیرقانونی دارند تا کارگران را مدام در فشار اقتصادی قرار دهند و ذهن و مبارزه کارگری را در همان حوزه اقتصادی محدود سازند. مبارزه اقتصادی کارگر علیه سرمایه دار در کلیه جوامع سرمایه داری مبارزه‌ای دائم العمری است و تازمانیکه سیستم سرمایه داری حاکم باشد، با فزونی و کاهش ادامه خواهد داشت. برای آزادی کامل و رفع استثمار سرمایه دار می بایست مبارزه را در چارچوب و حوزه ای دگروبا خواسته‌هایی بمراتب فراتر سازمان داد حوزه ی مبارزات اقتصادی در محدوده ی مناسبات بین سرمایه دار فلان کارخانه و نهایتاً فلان رشته کاری با سرمایه داران مربوطه خلاصه می‌شود و حتی زمانی که دولت به یاری سرمایه داری شتابد و فشار بر کارگران را به نفع سرمایه دار فزونی میدهد، باز هم مبارزه هر چند میتواند نمای سیاسی بخود گیرد ولیکن در همان مناسبات باقی میماند و به سطح سیاسی برای رسیدن به آزادی طبقاتی ارتقاء نمی یابد، زیرا تمامی سیستم موجود را به زیر سؤال نمی برد و در پی پاسخ دهی به تمامی معضلات اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و اجتماعی جامعه و رهیابی برای حل آنها نمیرود. بهمین علت مبارزه اقتصادی در چنین حوزه ای محدود و تنگ، برخلاف نظریات اکونومیستی و سوسیال دموکراسی به سطح سیاسی برای رفع ستم و استثمار طبقاتی ارتقاء نخواهد یافت. چاره چیست؟

جز از طریق ارتقاء سطح سیاسی کارگران و یاری رسانی به ایجاد تشکلات راستین آنان در دوزمینة ی صنفی و سیاسی راهی دگرو وجود ندارد و مبارزات جهانی کارگران نیز در هر آنجائی که به پیروزی رسیده است - حتی موقتی بوده باشد - این راه راطی کرده است. عمده بار این راه بردوش فعالین انقلابی کارگری درون کشور و کارگران روشنفکر (روشن اندیش - روشنگر) سنگینی میکند و این مهم تنها از طریق شرکت در مبارزات روزمره کارگران و ارتباط تنگاتنگ با آنان، هر چند که با مشکلات و کنترل دولتی همراه است، میتواند موفقیت آمیز گردد. زمانیکه اشاره می‌شود چارچوب مبارزات اقتصادی تنگ است و می بایستی کارگران روشنفکر خارج از محدوده ی اقتصادی سطح آگاهی کارگران را به سطح سوسیالیستی ارتقاء دهند، بدفهمی می‌شود که گویا بایستی مبارزه اقتصادی را به فراموشی سپرد و یا اینکه آن وظیفه برعهده ی قشر روشنفکر جامعه است. این دو تصور، بدفهمی از لزوم چگونگی ارتقاء سطح سیاسی آگاهی کارگران به سطح سوسیالیستی است. مبارزه اقتصادی در مناسبات بین کار و سرمایه و کارگر و سرمایه دار نهفته است و هیچ احتیاجی به آن نیست که حتی کارگر ساده رابه لزوم چنین مبارزه‌ای آگاه کرد. چون فشار اقتصادی حتی کارگر ساده را و امیدارد که زبان به اعتراض و طرح خواسته‌های اولیه بگشاید، اعتراضی که نهایتاً فراتر از محدوده ی تنگ اقتصادی نمی‌رود و چاره گشای معضلات زندگی کارگری نیست. منظور برخلاف آن بدفهمی ها بر این نیست که قشر روشنفکر جامعه آموزگار کارگران میباشد بلکه براینست که می بایست در ضمن تداوم و گسترش مبارزات اقتصادی از چارچوب این نوع مبارزه فراتر رفت، مبارزه برای دگرگونی جامعه را نیز بصورت جدی و بابرنامه در دستور کار قرار داد و در جهت ایجاد تشکلات سراسری صنفی کارگری و بویژه تشکل سیاسی طبقاتی کارگری مجدانه گام برداشت. فعالین کارگری در خارج از کشور نیز میتوانند در این زمینه ایفای نقش داشته باشند. این فعالین هر چند عملاً در مبارزات کارگری درون کشور حضور جسمی ندارند ولی می‌توانند از طریق انتقال تجارب واقعی مبارزات پیروزمند کارگری سایر کشورها، دفاع از مبارزات کارگری درون کشور، جلب حمایت تشکلات کارگری و سازمانهای سیاسی انقلابی کشور محل سکونت، توضیح مداوم - هر چند مکرر باشد - تئوری انقلاب کارگری، تلاش در جهت نزدیکی و همکاری مشترک فعالین کارگری در خارج از کشور، کوشش در جهت خدمت به ایجاد ستاد راستین سیاسی طبقه کارگر - نه با عنوان فرمالیستی فریبنده و با تشدید فرقه گرایی - و... یاری رسان جنبش کارگری درون کشور باشند.

گزارشگران:

از حکومت عدل علی گفته میشود و اینکه رهبران جمهوری اسلامی می‌خواستند دست پینه بسته کارگران را ببوسند و در گذر تاریخچه این حکومت دیدیم که چه بر سر کارگران و زحمتکشانشان رفت. هر جا اعتراضی هست، نیروهای ضد

شورش سرعت دربرابرشریف ترین انسانهای کشورمان صف می بندند و دراندیشه سرکوب وحشیانه آنها هستند و از هیچ جنایتی ابا ندارند. ریشه اینهمه خصومت و خشونت چیست؟

علی رسولی:

اینهمه خصومت و خشونت ، محکوم و ضدانسانی است ، اما نبایستی تعجب کرد که چرا بر کارگران و سایر زحمتکشان ایران روا میشود. سرمایه داری یعنی خشونت و خصومت با کارگران. این درماهیت سرمایه داری نهفته است . سرمایه دار برای حصول سود بیشتر از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند و اولین قربانیان این جنایت، کارگران هستند. نبایستی خصومت و خشونت را تنها به دستگیری و زندان و شلاق محدود دانست . کارگری که بخاطر سودبری بیشتر سرمایه دار ، اخراج و مجبور به بیکاری و چه بسا محکوم به زندگی فقیرانه می شود ، مورد خصومت و خشونت قرار گرفته است. حتی درکشورهای سرمایه داری غرب نیز چنین خصومت و خشونت از جانب سرمایه داران رایج است . درکشور باصطلاح دموکرات آلمان که شهروندان کشور حق دارند در انتخابات آزاد هر چهار سال یکبار نمایندگان مجلس و از این طریق دولت مرکزی را انتخابات کنند (همان دولتی که پس از انتخابات اکثر قولهای تبلیغی انتخاباتی را فراموش میکند و نهایت تلاش خود را بکار می برد تا سرمایه داران ثروتمند تر شوند) اخیراً شرکت فولاد تیسن - کروپ که در سال گذشته بیش از چهار میلیارد یورو سود داشته است در برنامه دارد که با فولاد سازی تاتا در هندوستان که سودی با لغ بردو نیم میلیارد یورو دارد به شراکت و در هم آمیزی درآید. این در هم آمیزی ، بیکاری حدود هشت هزار کارگر را در پی خواهد داشت . دوشرکتی که بیش از شش و نیم یورو سود دارند، در برنامه دارند برای افزایش سودبری در بازار جهانی حدود هشت هزار کارگر را اخراج کنند. آیا بیکار سازی هشت هزار کارگر بمنظور افزایش سود و ثروت سرمایه داران ، خشونت و خصومت نسبت به کارگران نیست؟ سرمایه دار به کارگر میگوید من آزادم بخاطر سود و ثروت اندوزی بیشتر ترا اخراج و محکوم به بیکاری و فقر بکنم و تو هم آزادی که در چهار سال بعدی که من با حمایت دولتی ثروتمندتر شده ام ، دولتی دیگر را انتخاب کنی . و بعد هم روال کار همچنان ادامه خواهد داشت تا چهار سالهای دیگر و دیگر. این مثال را آوردم تا روشن شود که در تمامی جوامع سرمایه داری، کارگران بامعضلات و مشکلات مشابهی ناشی از موجودیت سیستم سرمایه داری درگیرند و با خشونت و خصومت سرمایه داری مواجه اند. تنها مزیتی که درکشورهای سرمایه داری غرب وجود دارد به شکرانه سابقه مبارزات کارگری و دستاوردهای آن در این کشورها و موجودیت تشکلات صنفی کارگری و برخی تشکلات سیاسی مترقی ، دولت فعلاً بنابر درخواست سرمایه دار ضروری نمیداند که به صف فشرده هشت هزار کارگر معترض تیسن - کروپ حمله پلیسی کرده و تعدادی را زخمی ، دستگیر و زندانی کند. در همین کشورها نیز هرگاه سرمایه دار و دولت حامی آن ضرورت به ضرب و شتم جسمی را لازم بدانند، از چنان اقدامی ابا نخواهند کرد. در همین آلمان، چندی پیش بهنگام برگزاری اجلاس کشورهای سرمایه داری ، بنابر صلاحدید و دستور حکومتی پلیس وحشیانه به صفوف معترضین و تظاهر کنندگان حمله برد و دهها تن را زخمی و تعداد زیادی را دستگیر کرد. اگر آن توحش پلیسی ، خصومت و خشونت نام ندارد، پس چه نامی بایستی بر آن نهاد؟ خصومت و خشونت در سیستم سرمایه داری نهادینه شده است و تا زمانی که چنین سیستمی پابرجاست ، در هر کجا که باشد خصومت و خشونت با شدت و ضعف ادامه خواهد داشت .

بازگردیم به ایران . سرمایه دار و دولت حامی آن در ایران از هیچ جنایتی نسبت به کارگران و زحمتکشان جامعه و معترضین سایر اقشار مردمی فروگذار نمی کنند . رژیم سرمایه داری اسلامی با دیکتاتوری سابقه دار در کشور و قوانین ، سنن عقب گرای اسلامی آغشته شده است و میتواند گفت که در پی این آکندگی، توحش رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران فزونی چند برابر یافته است. جمهوری اسلامی از حکومت عدل علی سخن گفته و قول به برقراری آن داده بود. در این باره باید منصف باشیم و اذعان کنیم که رژیم اسلامی به این قول خود وفا کرده است . عدل علی چه بود ؟ عدل علی عبارت بود از کشتن مخالفین خود بطوریکه در یک روز حدود 4000 نفر از خوارج را گردن زد . عدل علی عبارت بود از جنگ و غارت . عدل علی بود از ویران کردن سایر کشورهای بقول خودش مرتد و برده

کارگران جهان متحد شویم!

وکنیزکردن هزاران مرد وزن و بچه کشورهای مغلوب و فروش آنان درمیادین برده فروشی و پرکردن حرمسراهای خودی ها، از جمله حسن و حسین و اعوان و انصارشان از زنان کشورهای مغلوب. اسلام به سبک علی یعنی همان حکومت عدل علی در هر زمان که حاکمیت یافت جز غل و زنجیر و زندان و کشتار نصیب اهالی نشد. در دوران حاکمیت سرداران در سبزو و اطراف، در حالیکه هر روزه احمقانه یک اسب سفید را به صحراهای اطراف گسیل میداشتند تا امام دوازدهم شان بهنگام ظهور با پای پیاده به سبزو وارد نشود، هر مخالفی و یا بقول خود خطاکار را با سر به چاه می انداختند. در زمان صفویه بنام حکومت عدل علی هزاران نفر سنی مذهب را در تبریز و سایر شهرها و دهات اطراف یا گردن زدند یا حلق آویز کردند. در دوران حاکمیت قجر بنام اسلام و با تبعیت از عدل علی، بابیان را کشتار کردند. پس بپذیریم وقتی که مرتجعین حاکم در ایران مدعی برقراری عدل علی هستند برای ادعای آنان خرده نگیریم بلکه بگوئیم عدل علی آنگونه بود و این جماعت همان ره و شیوه را در ایران در پیش گرفته اند. عدل علی یعنی سرکوب و کشتار دیگران دیشان، تاراج، شکنجه و سیاه چال، سنگسار، خفکان و سلب ابتدائی ترین آزادیها و... جمهوری اسلامی وارث واقعی عدل علی می باشد. مسلم است که چنین راه و شیوه نه تنها خصومت و خشونت با کارگران است بلکه توحش به معنای واقعی آن میباشد. از سرمایه داری آغشته به اسلام انتظاری جز آنچه شاهدش هستیم، نباید داشته باشیم. خوشبختانه هر روزه تعداد بیشتری به ماهیت ضدانسانی سرمایه داری آکنده از قوانین اسلامی پی برده اند و اسلام گریزی در ایران بیش از هر دیگر کشور اسلامی است. این کافی نیست. بایستی چنین سیستمی را بادست کارگران و تحت رهبری طبقه کارگر به زباله دان تاریخ فرستاد.

گزارشگران:

فعالین کارگری همیشه خود و خانواده هایشان در خطر دستگیری و زندان و شکنجه، تهدید و آزار بوده اند. دفاع از حقوق هم قطاران تحت ستم در جمهوری اسلامی یعنی هزینه سنگین دادن و در این شرایط برخی از آنها همانند شاهرخ زمانی و کورش بخشنده و محمد جراحی به اشکال متفاوت بقتل رسیدند. امروزه نیز رضاشاهی و محمود صالحی در خطر جدی هستند. علت زوم شدن مسئولان جمهوری بر آنها چیست؟

علی رسولی:

جمهوری اسلامی از هر اعتراض و حرکت مردمی در وحشت است زیرا نارضایتی عمومی را به چشم می بیند. جمهوری اسلامی بخوبی میداند و تجربه کرده است که هر حرکت اعتراضی حتی جرعه واری توند به شعله وحتی به آتششان تبدیل شود و نه تنها سردمداران کنونی بلکه مجموعه ی سیستم سرمایه داری اسلامی را به زباله دان تاریخ بفرستد. جمهوری اسلامی بیشترین وحشت را از کارگران دارد زیرا کارگران اکثریت جامعه هستند، چرخ اقتصاد کشور را می چرخانند، بیش از هر فشار اجتماع در زیر فشار، ستم و استثمار قرار دارند و لذا آماده تر از هر فشاری برای پذیرش افکار و برنامه های انقلابی میباشند، منضبط و تشکل پذیر هستند، پایدارترین و مصممانه ترین مبارز اجتماعی میباشند و بیشترین منافع را در سرنگونی سیستم سرمایه داری اسلامی دارند. از اینرو جمهوری اسلامی دریافته است که کارگران سرسخت ترین مخالف میباشند، پس میباید از دیدگاه آن رژیم تحت بیشترین پیگرد قرار گیرند. فعالین کارگری درون کشور زیر فشار و تعدی فزاینده ای میباشند. آنها بیش از هر کارگر دیگری تحت خطر پیگرد، زندان، شکنجه وحتی قتل سیاسی قرار دارند و این از آنروست که این مبارزان کارگری وظیفه ی آگاهی و تشکل دهی کارگران را بر عهده گرفته اند. رژیم اسلامی دریافته است که می باید با توسل به انواع فشار و ترسند جلوگیر رشد آگاهی و تشکل کارگران باشد تا از بزرگترین خطری که حیات اش را تهدید میکند گریز داشته باشد، لذا فشار مضاعف بر فعالین کارگری را چاره ساز میداند. اما رژیم اسلامی سرمایه به عبث می پندارد که با فشار مضاعف بر فعالین کارگری همچون رضاشاهی و محمود صالحی و دیگر فعالین کارگری و خانواده های این مبارزین، قتل سیاسی شاهرخ زمانی، کورش بخشنده و محمد جراحی خواهد توانست سکوت گورستان را برجنبش کارگری مسلط سازد. شاهرخ، کورش و محمد

کارگران جهان متحد شویم!

نشان داده‌اند که تعهد به عهدی را که با کارگران ستمدیده کشورمان بسته بودند همچنان گرامی داشتند و زندان و شکنجه، مرگ و فشار بر خانواده را به جان خریدند ولی عهدشکنی با طبقه خود را پذیرا نشدند و این پایداری رزمندگان کارگری خشم و وحشت سردمداران حکومتی را افزایش میدهد زیرا ترس دارد که رضاها و محمودها، شاهرخها، کورشها و محمدها بیشتری با پیروی از راه مبارزاتی و ایستادگی این فعالین کارگری، به صف اول مبارزه کارگری برای آگاهی و سازماندهی کارگران بپیوندند. در یک کلام: رژیم اسلامی از تشکل و سازمان یابی انقلابی کارگران در وحشت است و در نتیجه به طرق متفاوت تلاش دارد جلوی آن را بگیرد. از اینرو فعالین کارگری داخل کشوری یعنی کارگران روشنفکر (روشنگر) را که مجدانه در پی تشکل دهی کارگران میباشند، به شدت تحت فشار و پیگرد قرار میدهد.

گزارشگران:

تاریخچه جنبش کارگری پیوسته با مقوله ای بنام فرقه گرایی روبرو بوده است. از سوی رهبران فکری سوسیالیسم هم مذمت و سرزنش شده و مقابله با آن ضروری ارزیابی شده است. ارجحیت دادن منافع و تمایلات گروهی، سازمانی و حزبی بر منافع کل طبقه کارگر، نمودی از این انحراف بوده است. آیا امروزه و در ارتباطات با جنبش کارگری در کشورمان حضور آنرا محسوس می دانید؟

علی رسولی:

متأسفانه بایستی به این ضعف جنبش کارگری اذعان کرد. همانگونه که از دستاوردهای جنبش نام می‌بریم و از آنها می‌آموزیم، می‌باید به ضعفها و اشکالات نیز اشاره کرد. سرپوشی بر ضعفها ره گشای زدودن نارسائیها نیست. بیان ضعفها و کمبودها بمعنای منفی بافی نیست. هر آنکس که چنین پنداری داشته باشد، آگاهانه یا نا آگاهانه در پی بهبود نخواهد رفت. تنها زمانی که از اشاره به این یا آن کمبود ابا نورزیم قادر خواهیم شد ریشه‌ها و علل آنرا دریابیم و برای رفع آن همت کنیم. زمانی که به تشکل سیاسی نه به عنوان وسیله بلکه به عنوان هدف بنگریم، ناچاراً در جنبه فرقه گرایی گرفتار خواهیم شد. متأسفانه امروزه اکثر تشکلات سیاسی ایرانی که عمدتاً خارج کشوری هستند، فرقه گرایی را پیشه کرده‌اند و این، اثرات منفی خود را مستقیم یا غیرمستقیم بر جنبش کارگری درون کشور نیز می‌گذارند. زمانی که تشکل چند نفره خود را تافته جدا بافته بدانیم و بکوشیم دیگران را نادیده بگیریم، با بزرگنمایی از طریق شخصیت و چهره سازی و هیاهو، خود را بزرگتر و بالاتر از همگان بدانیم، نشان داده‌ایم که در اندیشه رهیابی برای سازماندهی کارگران و سایر اقشار زحمتکش که بدون چنین سازمانی نه تنها انقلاب بلکه پیشرفتی مؤثر نیز تحقق نخواهد یافت، نیستیم. هرگاه تلاش بر این باشد که تشکل خود را مرکز عالم بدانیم و حتی بدون احساس مسئولیت و تنها برای بزرگنمایی کاذب و آرامش خاطر اندک هواداران خودی، به نادرستی مدعی عضویت - چه علنی باشد و چه درون تشکیلاتی - این یا آن فعال کارگری درون کشور به حزب، سازمان یا گروه خود باشیم و حتی بدتر بکوشیم این یا آن جانفشان کارگری را با دروغ و نیرنگ عضوی از تشکل سیاسی خود بنمایانیم، به گروه گرایی دامن زده ایم و بخاطر منافع تنگ گروهی، هدف را آگاهانه به فراموشی سپرده ایم. بدتر اینکه یاران و نزدیکان رفیق جانباخته ای را که کرکس و ارابه تشکل خود نسبت میدهیم، نا آگاهانه به خطر می‌اندازیم.

برای زدودن گروه گرایی چه در داخل و چه در خارج از کشور کافی نیست که تنها نادرستی آنرا بازگو کنیم بلکه ضروری است در ارائه رهائی که می‌تواند به زدودن یا حداقل تقلیل آن یاری رساند، کوشش کنیم و خودنیز در آن راه گام عملی برداریم. می‌باید با تکیه به موارد و مسائل مشترک و مورد قبول فکری و عملی، روشن سازی اختلافات اساسی، به گام برداری جدی برای حل آنها و ایجاد نزدیکی بیشتر از طریق مشورت رفیقانه و شرکت در عمل انقلابی در محیط کار و مکان زندگی پرداخت. ناگفته روشن است که منظور از این نزدیکی، همکاری و همراهی به معنا و منظور همه با هم نیست. فعلاً این راستین کارگری هیچ نکته مشترکی با آنانی که ماسک کارگردوستی را برای فریب

کارگران جهان متحد شویم!

کارگران برچهره دارند - چه اپوزیسیون دولتی و چه خارج از آن باشند - ندارند. تنها معیارجدی بودن در زدودن فرقه گرائی و ایجاد نزدیکی و همکاری، گام برداری جدی در سازماندهی و پیشبرد فعالیت و مبارزه عملی مشترک بر اساس اشتراکات است. در اینجاست که صداقت گفتار، محک عملی می خورد.

گزارشگران:

از همبستگی همه جا سخنی هست. تقریباً تمامی نهادها و فعالین شناخته شده کارگری در داخل و خارج از کشور از آن و اهمیتش میگویند اما ردپای فرقه گرائی و مقاومت در برابر آن عریان و پنهان دیده میشود. همبستگی اما کمتر ملموس است. هنوز یک نمایش در دفاع از صفوف میلیونی کارگران ایران که انفجار رسانه ای در خارج از کشور در پی داشته باشد، دیده نشده است. علت را در چه می بینید؟

* * *

علی رسولی:

متأسفانه موجودیت و حتی حاکمیت فرقه گرائی نمایان است ولی خوشبختانه چه در داخل و چه در خارج از کشور تا حدودی تَرَک برداشته است. همبستگی در دفاع از محمود صالحی و رضا شهابی چه در داخل و چه در خارج از کشور ابعاد نسبتاً وسیع داشته است. دفاع از این رفقا و سایر فعالین کارگری از سوی سندیکاها و گوناگون جهانی در این اواخر آنچنان بُعدی داشت که واقعاً تا کنون بی سابقه بوده و در آزادسازی محمود نقشی پراهمیت داشته است. فعالین کارگری در خارج از کشور این بار تلاش جانانه در جلب پشتیبانی جهانی از فعالین کارگری زندانی در ایران داشته‌اند و می بایستی آنرا دستاورد دانست، از آن آموخت و پی گرفت. هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای اروپا، همچنین استرالیا و کانادا سازماندهی مشترک جهت برگزاری هفته ی مبارزه مشترک عملی در دهه ی اول دسامبر برای آزادی کارگران و سایر زندانیان سیاسی ایران، در دستور کار تعدادی از تشکلات و منفردین وفادار به جنبش کارگری قرار گرفته است. پای بندی به برگزاری مشترک چنین فعالیتهای عملی مشترک، امیدبخش است. باشد که در تداوم و گسترش آن کوشا و موفق باشیم.

گزارشگران:

پیشنهاد شما برای گذر از موانع همبستگی صفوف حامیان کارگران کشورمان چیست؟

* * *

علی رسولی:

در بالا اشاره داشتیم که برای زدودن فرقه گرائی و ایجاد، یا تحکیم و گسترش همبستگی می باید در پی راه عملی باشیم. چاره‌ای جز این نیست که نکات مشترک را بیابیم و با تکیه بر نکات مشترک برای فعالیت عملی مشترک، در جهت حل اختلافاتی که مانع فعالیت مشترک هستند گام برداریم. برای حل اختلافات موجود بایستی به مشورت رفیقانه نشست که البته به تنهایی کافی و رهگشا نیست. مشورت برای حل اختلافات بایستی همراه با فعالیت مشترک عملی بر مبنای مشترکات فکری و عملی باشد و گرنه جدا از عمل مشترک، تنها یک گپ رنی روشنفرانه باقی خواهد ماند که سعی می‌شود، دانسته‌های فردی را به رخ یکدیگر بکشیم و حتی احتمالاً بر اختلافات بیفزائیم.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری - خارج کشور، دست همکاری را به سوی تمامی دوستان راستین طبقه کارگر برای فعالیت عملی و دفاع از جنبش کارگری دراز میکند.

باسپاس فراوان از زحمات رفقای گزارشگران

گزارشگران

30.11.2017

www.gozareshgar.com

جنبش کارگری در ایران: ضعف‌ها و قوت‌ها گفتگو با سحر صبا

همبستگی بین‌المللی با کارگران ایران، شناساندن رهبران علنی مبارزات، شیوه مبارزات و طرح خواسته‌هایشان در چند سال اخیر و به‌یمن تلاش فعالین کارگری و سوسیالیست‌ها در خارج از کشور تقویت شده است. اعلام همبستگی با کارگران ایران در اعتراض به دستگیری و زندانی نمودن فعالین کارگری و سایر زندانیان سیاسی نمونه‌های برجسته‌ای از این تلاش است که امروز به اشکال مختلف در داخل و خارج خود را نشان داده است. در شرایط حاضر که سرمایه‌داری در ایران از هر نوع سرکوب و بی‌حقوقی در مورد کارگران دریغ نمی‌کند بلکه هر روز به این توحش و بربریت دامن می‌زند، در مقابل آن، جنبش کارگری ناچار است تنها به مثابه یک جنبش اجتماعی ظاهر شود و برای این به تشکل توده‌ای و سراسری خود نیاز حیاتی دارد. این تشکل ابزار پیش‌بردمطالبات و خواسته‌های اقتصادی، رفاهی، اجتماعی و تحمیل آن به کارفرماها و دولت سرمایه‌داری است. ضمانت‌های اجرایی جلوگیری از دستگیری و اجحاف و قوانین ضد کارگری است و تنها ارگانی است که میتواند آزادیها در جامعه را تحقق بخشد. این تشکلهای به مثابه حضور اجتماعی طبقه کارگر میتواند اتحاد پایدار کارگران را تامین کند. اساس تشکلهای مورد نظر، میبایست بر مبنای سیاست مبارزه طبقاتی طبقه کارگر باشد تا بتواند منافع آنی و آتی همه کارگران را در مبارزه با سرمایه نماینده‌گی کند.

با فعال کارگری سحر صبا گفتگویی داریم:

با تشکر که این وقت را در اختیار من گذاشتید.

گزارشگران:

طی سالهای اخیر شاهد افزایش تصاعدی اعتراضات کارگری هستیم. شمارش آنها دیگر ممکن نیست. هرروزه بخشی از این وقایع در محیط‌های تولیدی و خدماتی انعکاس خبری می‌یابند و اینها تنها قسمتی از این اخبار هستند. ارزیابی شما از موقعیت جنبش کارگری در کشورمان چیست؟

سحر صبا:

در این شکی نیست، که ما هر روز شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری‌ای هستیم که علیرغم افزایش آن هم بسیار چشمگیر است. در روند این مبارزات اقتصادی، اشکال مبارزه طبقه کارگر و تلاش برای تحقق خواسته‌ها و مطالباتش با اتکاء به نیروی خود سمت و سوی بیشتری بخود گرفته و هر چه جلوتر می‌روند بیشتر در تناقض با سرمایه‌داری قرار می‌گیرند. در این راستا طبعا تعارض و تضادها هم بیشتر تشدید میشوند. تشدید تضادها الزاما به این معنا نیست که صرفا در خیابانها و مراکز تولیدی هر روز اعتصاب و اعتراضی صورت بگیرد، بلکه بر این معنا است که حرکت‌های هر روزه کارگران خواسته‌ها و مطالبات جدی طبقه کارگر را بهمراه دارد، و سوالات جدی‌تری را در برابر دولت و جامعه قرار میدهد.

کارگران خواسته‌های مشابهی دارند، آنها که از وضعیت خود ناراضی و به ستوه آمده‌اند، همچنان دست به اعتصاب و اعتراض می‌زنند. این اعتصابات و اعتراضات خواه سیاسی و خواه اقتصادی باشند عامل محوری مبارزه طبقاتی کارگران نه تنها برای خواسته‌هایشان بلکه قدمی به جلو برای کسب آگاهی طبقاتی آنها هم است. طبقه کارگر اگر بتواند در هر حرکت اعتراضی خود، بطور مستقیم و به صورت سازمان‌یافته ایی حرکت کند. قطعا قدمی به متشکل شدن خود نزدیک خواهد شد.

هر اندازه تضاد بین کار و سرمایه گسترده‌تر شود، اعتصابات و اعتراضات حالتی قدرتمندتر و موثرتر بخود می‌گیرند. در چنین وضعیت بشدت نابرابر طبقه کارگر برای بقای خود چاره ایی جز نبرد طبقاتی با دولت سرمایه ندارد.

مبارزات اقتصادی همیشگی کارگران علیه سرمایه‌داری، در بدترین حالت هم نمی‌تواند اقتصادی باقی بماند، بلکه آنان را در هر لحظه ایی از این مبارزه، سیاسی نگاه میدارد. در یک کلام، مبارزه اقتصادی، عاملی است که جنبش کارگری را بسوی یک مبارزه سیاسی و تقویت آن هم سوق میدهد.

ما شاهد هستیم، که این اعتراضات و اعتصابات تا کنون هم بی‌ثمر نبوده است. طبقه کارگر ایران تا کنون به کمک آگاهی و شناخت نسبی از توازن قوای خود و اوضاع حاکم بر جامعه، با استفاده از تاکتیک‌های مبارزاتی از هر فرصتی برای پیشبرد اهداف خود استفاده نموده است. کارگران در تجمع‌های اعتراضی خود برای همراه کردن سایر

کارگران جهان متحد شویم!

کارگران و جلب حمایت های مردمی و خانواده هایشان کوشیده اند و در بعضی از حرکتها و اعتصابات کارگری هم موفق بوده اند. و برخی موارد هم این امکان را بدست آورده اند حرکتهای تهاجمی و اعتراضی علیه خود را خنثی نمایند. بالاخره فعالین کارگری پیشرو آنگاه که توانسته اند تشکلهای ویژه و مورد نیاز خود را مانند سندیکاهای، هیئت های مؤسس و کمیته ها را بنا نهاده و با برقراری به موقع ارتباط با نهادها و سازمانهای بین المللی مربوطه از حمایت های این نهادها هرچند محدود نیز بهره مند شده اند.

طبقه کارگر در شرایط فعلی همزمان با مشکلات و معضلاتی روبرو است که حل هر کدام در گرو دیگری است. بعنوان مثال: معضل افزایش دستمزدها، امنیت شغلی کارگران هر چند به مسایل اقتصادی و اجتماعی و بحران های سیاسی، مناسبات و روابط کار موجود در جامعه گره خورده، اما به حمایت تشکل های مستقل کارگری، صندوق های حمایت از بیکاران و بیمه بیکاری نیازمند است. در شرایطی که به علت بحرانهای اقتصادی - سیاسی موج گسترده بیکاری فرا گیر شده و خطر بیکار شدن هر روز تعداد بیشتری از کارگران را تهدید می کند. بدون شک طبقه کارگر از هر سو مورد تهاجم سرمایه است. واقعیت این است که برون رفت از وضعیت کنونی و غلبه بر بحرانی که بر او حاکم است نیاز به به سازمان یافتن جنبش کارگری در سطح وسیعی را دارد.

بخشی از کارگران معضل جدی سازمان نیافتگی را در عدم رهبری و پراکندگی در مبارزات، نبود حمایت و غیره دیده و در عین حال فاصله خود را تا دست یابی به این تشکلهای زیاد می بینند. اغلب آنها به یاد دارند که از گذشته های دور تا به امروز هر نوع حرکت در جهت ایجاد تشکل های مستقل کارگری در واحدهای مختلف و البته جدا از یکدیگر و پراکنده، با انواع موانع قانونی و غیر قانونی، فشار، اخراج و . . . روبرو بوده است؛ اما در عین حال دیده یا شنیده اند که آنجا هم که کارگران آگاه بوده و به طور جدی برای ایجاد تشکل ویژه خود سندیکای کارگری یا نوع دیگری از تشکل مستقل کارگری تلاش نموده و آن را متحقق نموده اند، فرصت ها و موقعیت های مناسب را به خوبی تشخیص داده و از آن ها به درستی استفاده کرده اند سرانجام پس از تحمل محرومیت و سختی های زیاد موفق به برپائی و ایجاد تشکل کارگری مورد نظر خود شده و به آن رسمیت داده اند.

معضل اصلی طبقه کارگر این است که بتواند بر شکاف و گسیختگی میان صنایع مختلف و کارگاهها، که الزام و اجبار سرمایه داری هر روز آن را عمیقتر میکند غلبه نماید.

باید این را در نظر داشت که این حرکتهای اعتراضی علیرغم اینکه از پتانسیل بالایی برخوردارند، اما از آنجائیکه در محدوده یک کارخانه یا واحد صنعتی معین رخ می دهد و هدف اصلی و سمت و سوی این مبارزات و حرکت ها تدافعی و در چارچوب خواسته های محدودی است و از همه مهمتر هیچ همبستگی و رابطه ارگانیک بین این اعتراضات و اعتصابات موجود نیست این حرکتها تا کنون نتوانسته اند حتی در متحقق نمودن پاره ایی از خواسته های کارگری هم موفق باشند. البته بخش عمده گسل بین این حرکتها و در مجموع بین صنایع مختلف بر میگردد به سرکوب شدیدی که طبقه کارگر با آن بطور مداوم روبرو است. اما یک بخش دیگر آن بر میگردد به عدم حضور و فعالیت همه جانبه، سازمان یافته و استراتژیکی کارگران آگاه و پیشرو در درون طبقه. فعال بودن این دسته از پیشروان کارگری در کنار آگاهی ناشی از تجربه ی اجتماعی و مبارزاتی خود کارگران می تواند سبب ارتقاء آگاهی طبقاتی آنان شود. وجود کارگران آگاه و سوسیالیست درون طبقه این وظیفه را برای آنها تعریف میکند، در جریان مبارزات کارگری، با بسط دادن تجربه های اجتماعی مبارزاتی کارگران و انتقال تجارب خود آنها را به مسائل طبقاتی آگاه نمایند و این امری است گریز ناپذیر، دشوار و طولانی و کسانی که این روش از مبارزه را کارساز می دانند باید سختی، محرومیت و محدودیت های بسیاری را متحمل شوند. اگر به امر مبارزه طبقاتی و ضرورت سازمان یابی و تشکل طبقه کارگر بطور استراتژیکی اعتقاد داشته باشیم به این امر هم واقف خواهیم بود که در پروسه فعل و انفعالات درونی طبقه کارگر در پیش گرفتن این روش و عملی نمودن آن مبارزه ای طولانی را می طلبد.

حضور فعالین جنبش کارگری گاه در صحنه و گاه در حاشیه و یا بنا به ذهنیت برخی از آنها معتقدند که آگاهی طبقاتی را از بالای سر طبقه باید به میان طبقه برد، تا کنون به رغم تلاشهایی که در این زمینه صورت گرفته به هیچ وجه پاسخگوی حتی بخش حداقلی از نیازهای موجود طبقه کارگر نبوده است. اگر هدف تاثیرگذاری و یا کمک به تعمیق و تسریع یک جنبش اجتماعی است، برای نیل به این هدف باید استراتژی و سبک کار در خدمت به این استراتژی را مد نظر داشت، و با شناخت و بکارگیری از ابزارهای سازماندهی در رسیدن به آن گامهای جدی و استوار را برداشت. در این راستا است که زمینه برای تشکل یابی قویتر خواهد شد.

طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیاز به ایجاد تشکلهایش را دارد. امر تشکل یابی کارگری در ایران و متحقق شدن تشکلهای کارگری امری تاریخی و دائمی در میان طبقه کارگر و بویژه فعالین کارگری پیشرو و سوسیالیست بوده است. تشکل یابی کارگری صرف نظر از اشکال و گرایشات حول و حوش باید تضمین کننده استقلال

کارگران جهان متحد شویم!

طبقاتی آنها هم باشد. اینکه این تشکلهای تا چه اندازه ایی ظرف بیان منافع اقتصادی-سیاسی طبقه کارگر باشند، قطعا در پیشبرد اهداف مطالباتی کارگران موثر خواهد بود، اما مهمترین بخش توده ای شدن تشکلهای، سراسری شدن این تشکلهای، در پیشبرد مبارزات کل طبقه میباشد. که نه تنها به پراکندگی و ضعفهای جنبش کارگری تا حدود زیادی پایان خواهد داد بلکه قدرت متشکل آنها هم بورژوازی لجام گسیخته را به مصاف طلبیده و می تواند آن را به عقب نشینی وادارد.

گزارشگران:

از حکومت عدل علی گفته میشود و اینکه رهبران جمهوری اسلامی میخواستند دست پینه بسته کارگران را ببوسند و درگذر تاریخچه این حکومت دیدیم که چه بر سر کارگران و زحمتکشانشان رفت. هر جا اعتراضی هست، نیروهای ضد شورش بسرعت در برابر شریف ترین انسانهای کشورمان صف می بندند و در اندیشه سرکوب و وحشیانه آنها هستند و از هیچ جنایتی ابا ندارند. ریشه اینهمه خصومت و خشونت چیست؟

سحر صبا:

بعنوان یک سوسیالیست ارزیابی من شخصا از حکومت جمهوری اسلامی تحت هر عنوان عوام فریبانه ایی که معرفی شود، آن را یک حکومت سرمایه داری می دانم. در جامعه طبقاتی ایران تضاد بین دو طبقه کار و سرمایه کاملا محسوس و هر روز تشدید می یابد. اینکه حکومت جمهوری اسلامی نمایندگی منافع سرمایه ایی را میکند که چهار دهه است که میلیونها کارگر و زحمتکش را به بردگی کشیده، سرکوب و زندانی نموده، آنها از حق ایجاد تشکلهایشان و ابتدائی ترین خواسته های انسانی محروم نموده، فقر و فلاکت و بیکاری، اعتیاد و فحشاء را به طبقه امان و سایر جنبشهای اجتماعی تحمیل نموده است شکی در آن نیست.

امروزه ما به عینه وجود طبقات اجتماعی را که ناشی از موجودیت و حیات اقتصادی سرمایه داری است، را در جامعه ایران می بینیم، تضاد بین دو طبقه کشمکش طبقاتی را در عرصه های مختلف اجتماعی ناگزیر میکند. در واقع مبارزه طبقاتی طبقه کارگر بر علیه حکومت سرمایه جمهوری اسلامی دینامیسیم تغییر جامعه است. به معنایی دیگر کارگران حتی در تلاش برای برپائی تشکلهای توده ای و صنفی اشان بالاجبار در تقابل با طبقات و نیروهای اجتماعی سرمایه و ارگانهای سرکوبگرش قرار میگیرند.

اختناق رژیم حاکم آگاهانه بیشتر بر نیرویی اجتماعی طبقه کارگر حاکم است، طبقه ایی که قطعا می تواند پاسخگوی نه تنها خواسته های طبقه اش بلکه اقشار مختلف جامعه هم باشد. به همین دلیل است که کارگران در مبارزه هر روزه اشان با شدیدترین سرکوبها و خشونتها از طرف مزدوران نظام سرمایه جمهوری اسلامی روبرو هستند.

گزارشگران:

فعالین کارگری همیشه خود و خانواده هایشان در خطر دستگیری و زندان و شکنجه، تهدید و آزار بوده اند. دفاع از حقوق هم قطاران تحت ستم در جمهوری اسلامی یعنی هزینه سنگین دادن و در این شرایط برخی از آنها همانند شاهرخ زمانی و کورش بخشنده و محمد جراحی به اشکال متفاوت بقتل رسیدند. امروزه نیز رضا شهابی و محمود صالحی در خطر جدی هستند. علت زوم شدن مسئولان جمهوری بر آنها چیست؟

سحر صبا:

فعالین کارگری و خانواده هایشان که در واقع بخشی از میلیونها کارگر و زحمتکشی هستند که با عدم امنیت اقتصادی، فقر و گرسنگی، اخراج و بیکاری روبرو هستند. نه تنها اوضاع وخیم اقتصادی روز بروز عرصه را بر کارگران تنگ تر کرده بلکه دست سرمایه داری برای کاهش دستمزدها را بازتر نموده است. کارگران در وضعیت فلاکت باری قرار دارند، از سویی از دریافت همان حداقل دستمزد ماهها محروم اند، از سوی دیگر به بهانه عدم سوددهی کارگاه و کارخانه و بستن آنها، توسط کارفرما اخراج و در جایی دیگر با مزد کمتر و قرار داد موقت مجبور به کار میشوند. با توجه به نیاز حرکت جهانی سرمایه در ایران و نقش سرمایه داخلی، مسئله خصوصی سازیها با استئثار و وحشیانه کارگران همراه بوده و سبب میشود به آن چه نیاز پایه ای سرمایه در ایران است رسمیت بیشتری بدهد.

دوم اینکه اختناق و استبداد در ایران یک مسئله بازدارنده در حرکتهای طبقه کارگر بوده است. در این شکی نیست که سرکوب پلیسی در سراسر حیات ننگین رژیم اسلامی بیوقفه ادامه داشته و در این میان هم بیشترین قربانیان را از

کارگران جهان متحد شویم!

کارگران و فعالین کارگری گرفته است. سرکوب فعالین کارگری، زندانی و یا حتی بقتل رسیدن آنها در زندان از حکومتی که هزاران کمونیست و انقلابی و آزادیخواه را بقتل رسانیده، نه تازگی دارد و نه اینکه تضمینی خواهد بود که دوباره به این اعمال شنیع و غیر انسانی دست نزنند.

جمهوری اسلامی از پراکندگی کارگران و بی تشکلی آنها نهایت بهره برداری را در سرکوب این طبقه از زندان و سرکوب تا قتل عام می نماید. تنها متشکل شدن کارگران در تشکلهای طبقاتیشان و بطور سراسری خواهد توانست به این وضعیت تا حدود زیادی خاتمه دهد.

گزارشگران:

تاریخچه جنبش کارگری پیوسته با مقوله ای بنام فرقه گرایی رویرو بوده است. از سوی رهبران فکری سوسیالیسم هم مذمت و سرزنش شده و مقابله با آن ضروری ارزیابی شده است. ارجحیت دادن منافع و تمایلات گروهی، سازمانی و حزبی بر منافع کل طبقه کارگر، نمودی از این انحراف بوده است. آیا امروزه و در ارتباطات با جنبش کارگری درکشورمان حضور آنرا محسوس می دانید؟

سحر صبا

در پاسخ این سوال قبل از اینکه به میزان فرقه گرایی این چپ در رابطه با جنبش کارگری سخنی بمیان آوریم. جا دارد تا حدودی در مورد وضعیت خود اپوزیسیون چپ و سیاستهایش بپردازیم.

نیروی اپوزیسیون چپ ایران بارها برای اتحاد عمل تلاش نموده اند، اما هر بار ناتوان تر از گذشته از پاسخ دادن به معضلاتی که با آن روبرو است، نا موفق به اتحاد عملشان خاتمه داده اند. آنها با شعار سرنگونی طلبی بدون حضور طبقه کارگر منسجم و سازمانیافته، به این نیت بوده اند که یک جامعه آزاد و عاری از ستم و استثمار را ایجاد نمایند.

سوال این است؟ مکتبها و سوخت و ساز درون این احزاب و سازمانهای چپ بر بستر کدام مبارزه طبقاتی شکل گرفته، و آیا تا به امروز توانسته اند بازتابی از مبارزات طبقاتی جنبش کارگری را منعکس نمایند؟ آیا این جریانات از نظر سیاسی و سبک کار مبارزاتی بعد از بیش از سه دهه به این شفافیت دست یافته اند، که بتوانند به بخشی از معضلات جنبش پاسخ دهند؟ پاسخ این سوال مشخصاً نه است. به این دلیل بیشتر جریانات موجود چپ در سوخت و ساز درونی طبقه کارگر و مبارزاتی که بر این بستر شکل می گیرد دخالتگری نداشته اند و ندارند، و همچنین به عینه دیده ایم که "سازمانها و احزاب" چپ در این مدت، نتوانسته اند حتی توجه بخش کوچکی از جنبشهای اعتراضی داخل را به خود جلب نمایند، و تاثیر گذار باشند. حتی قادر نبوده اند یک انسجامی به خود بدهند. با این تفصیل، سازمان و یا حزبی که طی بیش از سه دهه، نمی خواهد بر نافرجامی سیاستها و تاکتیکهایش اعتراف کند؛ سازمان و یا حزبی که خود بحران دارد؛ سازمان و یا حزبی که کمترین رد پای در عرصه مبارزه طبقاتی از خود بر جای نگذاشته است، چگونه می تواند در ابعادی گسترده تر، سیاست عمومی تر را پی گیرد و مدعی شود که "به شکل گیری یک قطب سیاسی چپ در مقابل رژیم اسلامی و کل نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوازی یاری می رساند" و قادر است به بحران موجود در جنبش کمکی نماید؟

شکی در این نیست، که در اثر عدم انسجام و سر در گمی چپ، راست علیرغم اینکه بحران دارد میدان دار، و دست بالا را دارد. بیهوده نیست چپ از سر ناعلاجی و استیصال است که وظایف غیر واقعی و غیر عملی ای را در مقابل خود قرار می دهد و یا به گونه ای سکتاریستی "سازمان" و یا "حزب" خود را تعریف می نماید، و بجای اینکه معضلات و مشکلات جنبش کارگری هم و غم هر روزه اش باشد و کار مشترک در جهت تقویت جنبش کارگری را سازمان دهد، و تلاش نماید از راهکارهای مختلف در امر متشکل نمودن طبقه کارگر استفاده نماید، فضای سالمی از مبارزه ی ایدئولوژیک و تئوریک راه بیانازد که به پالایش و تقویت تئوریهای سوسیالیستی کمک نماید، از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدون حضور طبقه کارگر و برقراری جامعه ی سوسیالیستی سخن می گوید!!!

نه تنها به این وسیله راه بجائی نمیبرد بلکه با ایجاد کشمشکی در درون طبقه کارگر سد و مانعی در راه اتحاد عمل طبقه کارگر و فعالیتهایش را هم ایجاد می نماید.

گزارشگران:

از همبستگی همه جا سخنی هست. تقریباً تمامی نهادها و فعالین شناخته شده کارگری درداخل و خارج از کشور از آن و اهمیتش میگویند اما ردپای فرقه گرایی و مقاومت در برابر آن عریان و پنهان دیده میشود. همبستگی اما کمتر ملموس است. هنوز یک نمایش در دفاع از صفوف میلیونی کارگران ایران که انفجار رسانه ای درخارج ازکشور در پی داشته باشد، دیده نشده است. علت را در چه می بینید؟

* * *

سحر صبا:

در طول این سالها می توان این نتیجه را گرفت که، اکثریت فعالان چپ سازمانها و احزاب، در یک پراکنده گی بسر برده و عمدتاً در این عرصه جدا از مبارزات طبقاتی و بدون تاثیر اجتماعی و کمترین تغییری در تعادل قوای طبقاتی در شرایط کنونی، و به تبلیغ آرمان گرایی و سکتاریستی بجای یک درک واقعی از واقعیات موجود به مبارزه مشغولند و هر کدام فعالیت خود را با حزب و سازمان و تشکیلاتی که با آن تعلق دارند تعریف نموده اند. بنابراین، سیاستها و فعالیتهایشان نه ناشی از مبارزات واقعی و جاری طبقاتی موجود در ایران و پاسخ به نیازمندی های طبقه کارگر و توده های زحمتکش؛ بلکه اهداف خود را بدون ارتباط با وضعیت موجود دنبال می کنند. هویت سیاسی خود را در سازمان و حزب خود که شدت جنبه سکتاریست بودنشان را تقویت می نماید تعریف می نمایند. اگر مبارزه ای هم از طریق آنها صورت گرفته باشد، این مبارزات در بیشتر مواقع بدون تاثیرگذاری در واقعیات موجود، به حذف و هتک حرمت یکدیگر منتهی شده، و به پراکندگی بیشتر آنها دامن زده است. بجای اینکه منفعت جنبش کارگری را به امر خود تبدیل نمایند، منفعت سازمانی و گروهی ارجحیت داشته است. بدون درک واقعی از مبارزه طبقاتی بیشتر به مبارزه فرقه گرایانه درون خود غلطیده اند. بعضی از محافل و سازمانها حتی در درون خود نیز، آنطوریکه باید انتظار داشت از وحدت در مبانی نظرات و تاکتیک ها برخوردار نیستند، پیش می آید حول یک فعل و انفعالات بیرونی، این سازمانها و محافل شکل می گیرند و با عدم پیشروی و یا فعالیت های بدون مثمر ثمر؛ مباحثات و مبارزات نظری در درون این تشکیلاتها گسترش می یابد و بهمین لحاظ پس از تلاش های بسیار و بدون نمودن تئوری، پس از چند سال مبارزه خود را در همان جایی که ایستاده بودند و بدون مداخله عملی در مبارزات موجود می بینند، و گاهی هم به انشعابات پی در پی ختم میشود و در نهایت علت بی افقی و در خود رفتن را به گردن عوامل خارج از خود، مخالفت با دیگر جریانها، و نهایتاً به عدم آگاهی و درک توده های کارگر و زحمتکش می اندازند. از احزاب و سازمانهایی که با چنین بی افقی به حیات خود ادامه میدهند چطور می توان انتظار داشت که در همبستگی سراسری با هم و یا با دیگر نهادها و جریانها مدافع طبقه کارگر بر آیند؟

گزارشگران :

پیشنهاد شما برای گذر از موانع همبستگی صفوف حامیان کارگران کشورمان چیست؟

* * *

سحر صبا:

در حالیکه مبارزه طبقاتی جز از طریق سازمان یافتن به شکل تشکلهای کارگری، با تدوین اهداف دراز مدت، مرحله ای و تاکتیک ها و جز با تغییر و از طریق جابجایی توازن قدرت های طبقات موجود مفهومی ندارد. فعالینی که خود را جزئی از این طبقه و جنبش می دانند و حمایت از جنبش کارگری جزء اولویت هایشان است، نمی توانند مبارزه و اهدافشان امری جدا از اهداف و مبارزه روزمره کارگران باشد. فعالین سوسیالیسم کارگری نمی توانند تابع فقط ایده باشند و تلاش نمایند برایش پایه اجتماعی پیدا کنند بلکه باید به این واقف بود که سوسیالیسم ریشه در شرایط واقعی زندگی و مبارزه کارگران دارد. زمانی می توانند از موانع همبستگی در خدمت به جنبش کارگری عبور نمایند، که همگام و همراه با این طبقه در امر سازماندهی و ارتقاء مبارزه طبقاتی نقش داشته باشند.

باسپاس فراوان از زحمات رفقای گزارشگران

گزارشگران

www.gozareshgar.com

جنبش کارگری در ایران، ضعف‌ها و قوت‌ها گفتگو با شروین ره

۱

سازمانها و احزاب چپ در اپوزیسیون بارها تلاش کرده‌اند که اتحادی قوی شکل دهند و از سکتاریسم دست شویند ولی از آنجا که بر بستر طبیعی مبارزات کارگری قرار ندارند نه تنها به آن دست نیازیده‌اند همانا خود دچار انشعاب و چند دستگی شده و اعضا از دست داده‌اند. هستند جریاناتی که در تلاش برای تأثیر گذاری بر سیر مبارزات کارگری هستند ولی همچنان آغشته به سنت‌های غیر سوسیالیستی هستند. به نظر من جنبش کارگری برای اجتماعی شدن نه تنها به سیاست‌های سوسیالیستی نیاز دارد بلکه منطبق با آن می‌بایست سنت‌های عملی‌اش هم سوسیالیستی باشد

گزارشگران:

دستگیری دوباره محمود صالحی فعال کارگری شناخته شده که سالیان دراز رنج و محرومیت و زندان و شکنجه را بر دوش کشید تا از حقوق محرومان و هم زنجیران خود دفاع کند، انگیزه این گفتگوهاست. روشنی افکندن بر نقاط کور و ضعف‌های جنبش میلیونی کارگران ایران برای دستیابی به ابتدائی‌ترین حقوق انسانی خویش دلیل این تلاش اندک و نظرخواهی از فعالین کارگری و سیاسی از سوی گزارشگران است.

موج اعتراضات کارگری به بی‌عدالتی‌های موجود سالهاست بشکل فزاینده در جریان است. گاه همانند آتشفشان در مکانهای تولیدی و خدماتی غلیان میکند و فضای خبری و رسانه‌ای را بخود تعلق میدهد. زنجیر فقر و ستم نظام سرمایه‌داری برپایشان و بارگران تورم و هزینه‌های زندگی روزمره را برگرده خویش میکشند. ظلم و تعدی و بی‌حرمتی به آنان از سوی مسئولین حاکم بدون مرز ادامه و جریان دارد. در این میان اما فعالان و نمایندگان کارگران بیش از همه در تیررس نابکاران و دشمنان کارگران و زحمتکشان قرار دارند. کارگران معترض به این بی‌عدالتی‌ها را می‌کشند. شلاق میزنند. به زندان می‌افکنند. شکنجه می‌کنند. اسیران زندانی را می‌کشند. محکوم به مرگ خاموش می‌کنند. آنان را بیکار و از حق زندگی شرافتمندانه محروم می‌کنند. صدای اعتراض و شکایات آنها در فضای خبری سرمایه‌زده داخل کشور بندرت بگوش کسی میرسد. همبستگی بین المللی کارگران خارج از کشور با کارگران ایران اگر چه قدرتمند است اما با بی‌اعتنایی مطلق دست اندرکاران حکومتی مواجه است. برآستی برون رفت از این وضعیت چگونه میتواند باشد؟ هم از اینرو با فعالین کارگری و سیاسی گفتگو میکنیم.

با شروین ره - فعال کارگری گفتگو داریم

گزارشگران:

طی سالهای اخیر شاهد افزایش تصاعدی اعتراضات کارگری هستیم. شمارش آنها دیگر ممکن نیست. هر روزه بخشی از این وقایع در محیط‌های تولیدی و خدماتی انعکاس خبری مییابند و اینها تنها قسمتی از این اخبار هستند. ارزیابی شما از موقعیت جنبش کارگری در کشورمان چیست؟

شروین ره:

همچنان که واقعیت نشان داده است و شما نیز به آن اشاره کردید اشکال مختلف مبارزات جاری کارگری در ایران غیر قابل شمارش است و این در تاریخ اعتراضات کارگری در ایران بی سابقه بوده است. حتی می‌توان به جرئت گفت از لحاظ کمی و نیز کیفی طبقه کارگر در ایران که بخشی از طبقه کارگر جهانی است در حال حاضر در یک گذر تاریخی بسر می‌برد. به این معنا که در مبارزات مطالباتی‌اش اشکال متنوعی را تجربه کرده است، از آن درس می‌گیرد و روز از پی روز به سطح بالاتری از مبارزه گذر می‌کند. اعتراضات چندی پیش کارگران در شرکت آذر آب و هپکو در اراک و نیز فراخوان سندیکای واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در پی اعتصاب غذای رضا شهبانی موید این واقعیت است. اگر چه این مبارزات هنوز سراسری نیست و همچنان پراکنده است ولی روند عینی نشان میدهد که مبارزات در حال هماهنگ شدن است و در دل این مبارزات است که کارگران به ضرورت متشکل بودن پی میبرند.

گزارشگران:

از حکومت عدل علی گفته میشود و اینکه رهبران جمهوری اسلامی میخواستند دست پینه بسته کارگران را ببوسند و در گذر تاریخچه این حکومت دیدیم که چه بر سر کارگران و زحمتکشان رفت. هر جا اعتراضی هست نیروهای ضد

کارگران جهان متحد شویم!

شورش بسرعت در برابر شریف ترین انسانهای کشورمان صف میبندد و در اندیشه سرکوب وحشیانه آنها هستند و از هیچ جنایتی ابا ندارند. ریشه اینهمه خصومت و خشونت چیست؟

شروین رها:

اساسا ریشه خصومت و خشونت در بطن نظام استثمارگرانه سرمایه داری قرار دارد. نظامی کارمزدی که در آن اکثریت جوامع یعنی کارگران برده مزد هستند، تولید و سازنده گی بر دوش آنهاست و خود از آن بی بهره هستند، چرا که در مقابل دریافت مزد مجبورند نیروی کارشان را بفروش برسانند. آنچه توده عظیم کارگران تاریخا در تجربه گذران زنده گی ایشان با گوشت و پوست خود لمس کرده اند بیان موجز آن در کاپیتال مارکس در بررسی علل خشونت در نظام سرمایه داری موجود است و کارگران سوسیالیست در هر مقطع تاریخ مبارزاتی ناگزیر از رجعت دوباره به آن خواهند بود. در ایران نیز هر چند طبقه کارگر با یکی از هارترین و جنایتکارترین حکومت ها یعنی رژیم جمهوری اسلامی رودر رو است ولی استراتژی سیاسی طبقه کارگر در ایران صرفا در مبارزه ضد رژیم خلاصه نمی شود، بلکه مبارزه علیه رژیم برای طبقه کارگر می بایست در مسیر استراتژی ضد سرمایه داری قرار گیرد. گرایشات سیاسی غیر کارگری و خرده بورژوازی در اپوزیسیون که تقریبا سیاست تمامی سازمان های چپ را در بر می گیرد بر استراتژی مدرنیستی و ضد رژیمی استوار است و مبارزات کارگری در ایران نیز از چنین منزلی عملن به نیروی فشارچنین استراتژی تبدیل می شود. گرایشات بورژوازی لیبرال و سوسیال دموکرات نیز که اجحاف به طبقه کارگر را در سیاست های رژیم اسلامی یا بخشی از آن خلاصه می کنند هدفشان حفظ نظام سرمایه داری است. سوسیالیست کارگری که متحد شدن طبقه کارگر، استقلال طبقاتی و به قدرت رسیدنش را پی می گیرند انعکاس مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری است که نماینده یا حافظ آن یا رژیم سلطنتی است (مثل دوران حکومت پهلوی) و یا رژیم اسلامی است (مثل دوران حاضر). خصومت و خشونت علیه کارگران و سرکوب آن توسط رژیم اسلامی را می بایست از این زاویه دید و مبارزه کارگران و طبقه کارگر علیه رژیم حاکم را با این چشم انداز می بایست بررسی کرد. عروج یکی از هارترین رژیمهای صحنه سیاسی تاریخ ایران مترادف است با عروج اجتماعی طبقه کارگر در ایران که با اعتصاب های خود رژیم شاه و دودمان پهلوی را بزیر کشید.

سرمایه داری با سقوط رژیم شاه توسط نیروی اجتماعی کارگران به ارتجاع مذهبی و خمینی که توانست گرایش ارتجاع توده ای در ایران را سازمان دهد نیاز مبرم داشت. با این حال و به بهای اعدام و ترور و کشتار و بگیر و ببند آزادیخواهان، زنان و اقلیت ها ارتجاع هار اسلامی اکنون چهل سال است در حفظ منافع سرمایه داری دوام آورده است. سرمایه داری از طریق رژیم ارتجاع مذهبی در ایران بر خشونت متکی است و تنها با انقلاب اجتماعی ضد سرمایه داری طبقه کارگر می توان جامعه را از رژیم حاکم و خشونت سرمایه در ایران جاروب کرد.

گزارشگران:

فعالین کارگری همیشه خود و خانواده هایشان در خطر دستگیری و زندان و شکنجه، تهدید و آزار بوده اند. دفاع از حقوق هم قطاران تحت ستم در جمهور اسلامی یعنی هزینه سنگین دادن و در این شرایط برخی از آنها همانند شاهرخ زمانی و کورش بخشنده و محمد جراحی به اشکال متفاوت بقتل رسیدند. امروزه نیز رضا شهابی و محمود صالحی در خطر جدی هستند. علت زوم شدن مسئولان جمهوری اسلامی بر آنها چیست؟

شروین رها:

این یک سوال کلیدی است و مشخصا به مبارزات اجتماعی در ایران و نیز نقش و سازماندهی طبقه کارگر در آن بر می گردد.

در جامعه با این همه اعتراض و مشخصا با اعتراضات کارگری که با وجود سرکوب و کشتار و بگیر و ببند آنان توسط رژیم همچنان فزونی گرفته است و راههای جدیدی را برای مبارزاتش پیدا می کند، اتهام زدن و دستگیری و پرونده سازی و کشتن فعالین اجتماعی کارگران نشان دهنده قدرت رژیم اسلامی نیست. نشانه هراس رژیم و سرمایه داری از عروج قدرت اجتماعی طبقه کارگر است. سرمایه داری و رژیم طی چهل سال گذشته تجربه اندوخته اند و در مقابل می دانند که چنانچه نیروی بالقوه طبقه کارگر در ایران بالفعل شود کارشان ساخته است. مبارزات کارگری تا زمانی پراکنده است می توان به نوعی بی آزارش کرد ولی مبارزاتی که سازمان یابد و در بعد اجتماعی سراسری شود مهارش آسان نخواهد بود. در دهه شصت در تجمع عده ای از کارگران سنندج که برای روز کارگر قطعنامه ای قرائت شد جمال چراغ ویسی را اعدام کردند ولی آن دوره گذشت. اینک رژیم با مبارزاتی مواجه است که در خود اعتراضات و جمع ها و تشکل ها و فعالین کارگری دارد و با کشتار و زندانی کردن و بگیر و ببند عقب نشینی نکرده است. نیاز سرمایه در ایران به کار ارزان و کارگر خاموش است و این تنها با از صحنه خارج کردن مبارزات متشکل

کارگران جهان متحد شویم!

و سازمانیافته کارگری میسر است. رژیم اسلامی هم خوب میداند که در چنین مسیری جاروب خواهد شد. زوم شدن رژیم با انواع دسته بندی های درونی اش بر فعالین کارگری را عملن در چنین چهارچوبی باید جستجو کرد.

گزارشگران:

تاریخچه جنبش کارگری پیوسته با مقوله ای بنام فرقه گرایی روبرو بوده است. از سوی رهبران فکری سوسیالیسم هم مذمت و سرزنش شده و مقابله با آن ضروری ارزیابی شده است. ارجحیت دادن منافع و تمایلات گروهی، سازمانی و حزبی بر منافع کل طبقه کارگر نمودی از این انحراف بوده است. آیا امروزه و در ارتباطات با جنبش کارگری در کشورمان حضور آن را محسوس میدانید؟

شروین رها:

سوال شما را می توان بر دو بخش کرد. بخش اول اینکه آیا در جنبش اجتماعی طبقه کارگر که کارگران منافع مشترک دارند و بنا به ضرورت مبارزه طبقاتی بر علیه سرمایه داری وارد مبارزه مشترک شده اند فرقه گرایی و سکتاریست جایی دارد به نظرم نه ولی اینکه کارگران یا فعالین کارگری می توانند به چنین بیماری مبتلا شوند باید گفت متأسفانه بله. به هر درجه که مبارزات کارگری اجتماعی شود واز درون آن تشکل ها و نماینده هایی منعکس کننده چنین مبارزاتی تولید و باز تولید شوند به همان درجه امکان رخنه فرقه گرایی و سکتاریست و فرد گرایی کمتر خواهد شد. فرقه گرایی خاص طبقات غیر کارگری امثال بورژوازی و خرده بورژوازی است و در سطحی که جنبش کارگری ایران در حال حاضر در آن قرار دارد این ویروس محو نشده است. سازمانها و احزاب چپ در اپوزیسیون بارها تلاش کرده اند که اتحادی قوی شکل دهند و از سکتاریسم دست شویند ولی از آنجا که بر بستر طبیعی مبارزات کارگری قرار ندارند نه تنها به آن دست نیازیده اند همانا خود دچار انشعاب و چند دستگی شده و اعضا از دست داده اند. هستند جریاناتی که در تلاش برای تاثیر گذاری بر سیر مبارزات کارگری هستند ولی همچنان آغشته به سنت های غیر سوسیالیستی هستند. به نظر من جنبش کارگری برای اجتماعی شدن نه تنها به سیاست های سوسیالیستی نیاز دارد بلکه منطبق با آن می بایست سنت های عملی اش هم سوسیالیستی باشد. طبقه کارگر در ایران فاقد تشکل سیاسی اش است و ایجاد آن دارای ملزومات خاص شرایط ایران و نیز در نظر گرفتن تاریخ طبقه کارگر در سطح جهان است. آنها که از دریچه تنگ احزابشان به جنبش کارگری می نگرند شابلون خود را بر مبارزات کارگری گذاشته اند. بر عکس این جنبش کارگری است که می تواند حزب و یا هر گونه تشکل سیاسی خود را از درون مبارزاتش و بنا به ضرورتش ایجاد کند.

به هر درجه که سوسیالیست ها رفتار و کردار سیاسی اشان بر منافع پایه ای و اجتماعی طبقه کارگر گره خورد و بهر درجه که کارگران در مبارزاتشان منسجم تر شوند فرقه گرایی در میان کارگران جایی نخواهد داشت. هنوز در جنبش کارگری ایران این تحول ایجاد نشده است ولی با پیش گفته های فوق این مهم صورت خواهد گرفت. با شکل گیری رهبری جمعی در تشکل سیاسی طبقه کارگر می توان امیدوار بود که فردیت و نخبه گرایی و فرقه گرایی که بر سازمانهای چپ غیر کارگری حاکم است از جنبش کارگری رخت بر خواهد بست.

گزارشگران:

از همبستگی همه جا سخنی هست. تقریباً تمامی نهادها و فعالین شناخته شده کارگری در داخل و خارج از کشور از آن و اهمیتش میگویند. اما رد پای فرقه گرایی و مقاومت در برابر آن عریان و پنهان دیده میشود. همبستگی اما کمتر ملموس است. هنوز یک نمایش در دفاع از صفوف میلیونی کارگران ایران که انفجار رسانه ای در خارج از کشور در پی داشته باشد، دیده نشده است. علت را در چه می بینید؟

شروین رها:

همچنان که در پاسخ به سوال قبلی اشاره شد و در سوال شما آمده است با وجود صحبت از همبستگی فراگیر توسط نه تنها فعالین کارگری بلکه در احزاب و سازمانهای چپ اما خلا این امر حیاتی کماکان محسوس است. با هر درجه از رشد مبارزات کارگری در امر همبستگی و ایجاد تشکل و هماهنگی در ایران انعکاس طبیعی آن در خارج از ایران نیز آثار خود را نشان خواهد داد.

برای کارگران سوسیالیست امر مبارزه و همبستگی و استقلال طبقه کارگر تا به قدرت رسیدنش، روندی از مبارزه دائمی و سازمانیابی طبقاتی علیه سرمایه داری است. در این مسیر ارتقا سطح مبارزه تا ایجاد جنبشی فراگیر نیاز به اتحاد عمل بر سر مسائل کلیدی دارد که عملن می تواند به اهداف طبقه کارگر یاری رساند. در سوال قبلی اشاره شد

کارگران جهان متحد شویم!

که طیف چپ علی العموم برای اتحاد از امال و ارزش‌های خود حرکت کرده و می‌کند تا از نیازهای عینی جنبش کارگری و به همین جهت با هر درجه از حسن نیت نتوانسته این اتحاد را شکل دهد و بر عکس شکننده شده است. ایجاد جنبش فراگیر که بر بستر مبارزات عینی طبقه کارگر در ایران شکل بگیرد و با چنین ارزیابی بتواند اتحاد عمل هایش را سازمان دهد نتایجی دیگر و در جهت اتحاد طبقاتی کارگران خواهد داشت. تلاش برای اتحاد عمل در داخل ایران و نیز خارج از ایران در مواردی صورت گرفته است ولی در مقابل جان سختی سیاست‌های غیر کارگری و منجمله فرقه‌گرایی نتوانست به امری ماندگار تبدیل شود. اما پس از مدتها اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و نیز کارگر سندیکای واحد رضا شهابی در سطحی وسیعی منعکس شد و حول آن نوشته و نا نوشته اعتراضاتی به اشکال مختلف صورت گرفت که خود آن ذهن جمع ویسی از فعالین را بخود معطوف کرد. این حرکت در حد انعکاس طبیعی جنبش کارگری بود و نشان داد در صورت هر چه اجتماعی شدن جنبش کارگری در ایران پتانسیلی در خارج خواهد داشت. البته علت فراگیر نشدن اعتراضات در خارج از کشور را قبل از اینکه در جان سختی سنت‌های غیر کارگری احزاب جستجو کنیم می‌بایست در عدم انسجام جنبش کارگری در ایران دید. بهر درجه ای که گرایش به اتحاد عمل بر مبنای منافع طبقه کارگر رشد کند یقیناً خود مرکزبینی و خود محوری‌های کاذب سنت‌های غیر کارگری کمرنگ تر خواهد شد.

گزارشگران:

پیشنهاد شما برای گذر از موانع همبستگی صفوف حامیان کارگران کشورمان چیست؟

شروین رها:

همبستگی در جنبش‌ها و اینجا مشخصاً در جنبش کارگری بدرجه ای اجتماعی شدن آن است و با عملیاتی کردن روش‌های اجتماعی و فراگیر جنبشی می‌توان آن را فراهم کرد. مبارزه کارگران و نیز جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه در ایران خواست و مطالباتش وسیع است و با تشخیص درست و به موقع آنها در فراهم کردن برای اتحاد عمل فراگیر می‌توان موانع سر راه همبستگی را کنار زد. دستگیری فعالین اجتماعی و زندانیان سیاسی در ایران، سطح نازل معیشت در ایران، و در کنار این‌ها مسائل مختلف اجتماعی که زمینه‌های همکاری را در جامعه تقویت می‌کند (منجمله زلزله اخیر در منطقه غرب) می‌تواند در جهت تقویت و رشد همبستگی قرار داشته باشد. مشخصاً موانع همبستگی طبقه کارگر در واقع همان موانعی است که سر راه اتحاد و پیشرفت طبقه کارگر قرار دارد. استبداد هار اسلامی در ایران، ستم مضاعف و مردسالارانه از نوع ارتجاعی‌ترین آن یعنی مذهبی بر زنان، فقر و معیشت و مزد بسیار نازل، تحمیل انواع روش‌های نئولیبرالیستی بر کارگران و مزدبگیران، عدم تشکل‌های کارگران، زندانی کردن نماینده‌های کارگران و فعالین کارگری به منظور مرعوب کردن طبقه کارگر و بالاخره ایجادتفرقه آشکار بین کارگران تحت عنوان ایرانی و افغانی و ... مشکلاتی بر سر راه اتحاد طبقه کارگر فراهم کرده است. اما با این وصف و با توجه به شرایط عینی، بحران سرمایه داری و نیز بحران حکومتی نه تنها با برجام تخفیف نیافت بلکه در شرایطی بدتر قرار گرفته است. مبارزه کارگران و معلمان و بازنشستگان و غیره هر چه بیشتر از دیوارهای استبداد عبور کرده و به ضرورت متشکل شدن برای تامین مطالباتشان در عمل رسیده اند. تلاش برای سراسری کردن و عمومی کردن شعارها و اعتراضات و رساندن سطح مبارزه، به حدی که اتکای مبارزه به نیروی جمعی خود برسد، می‌تواند بایپتانسیل عظیم طبقه کارگر در ایران آن را به یک نیروی اجتماعی موثر در جامعه سوق دهد. نیرویی که نوید رفاه و آزادی برای اکثریت مردم در ایران است.

باسپاس از شما و امید که کارگران و حامیان راستین کارگران ایران موفق باشند.

گزارشگران



سخنی چند با پیشروان، فعالان کارگری و اجتماعی

زلزله مهیبی که در مناطق مرزی غرب ایران اتفاق افتاد، با کمال تأسف و اندوه خسارات مالی و جانی زیادی را ببار آورد. منطقه ای که از نظر محرومیت اقتصادی تاریخی را پشت سر دارد، و ساکنان آنجا همیشه در فقر و فلاکت بسر می برده اند. در ابتدای فاجعه مردم آسیب دیده در زلزله با بی اعتنائی کامل دولت روبرو شدند. حوادث دلخراش ناشی از این تراژدی حس همیاری و انسان دوستی را در بیشتر اقشار جامعه ایران، بخصوص مردم تحت ستم و آزاده کردستان، بار دیگر بر انگیخت. درجه همبستگی در یاری رساندن به مردم آسیب دیده منطقه به حرکت خود جوشی تبدیل شد که از پتانسیل بالایی برخوردار بود. توده های زحمتکش از هر آنچه در توان داشتند دریغ ننموده و از زوایای مختلف به یاری مردم مصیبت دیده شتافتند. این همبستگی و همدلی همگانی و سراسری چنان سران رژیم را به وحشت انداخته بود که کمک به زلزله زدگان جای خود را به بسیج نیروهای مزدور در منطقه داد. با نظامی نمودن منطقه مردم به خشم آمده، که در حدود چهار دهه است که از سرکوب و استبداد و فقر و فلاکت سرمایه داری و جمهوری اسلامی رنج میبرند، با فرصت بدست آمده در مقابل سران بازدید کننده جمهوری اسلامی به اعتراض و افشاکاری پرداختند. صرف نظر از تمام کمکهای انساندوستانه، همدلی و فداکاریهایی در این راستا صورت گرفت که می توان گفت در نوع خودش بینظیر بوده است، اما آنچه قابل توجه و تعمق بود پتانسیل بالای شکستن فضای استبدادزده در این منطقه بود. ضمن ابراز انزجار و نفرت مردم از حکومت دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی عملاً به جنبش انقلابی کردستان جان تازه ای بخشید، اتحاد و همدلی سراسری آن را وارد فازنوینی نمود. با توجه به تمام نکات قوت و برجسته ای که این جنبش خود بخودی بهمراه داشت، اما آنچه که غایب بود و می توان به عنوان یک ضعف و کم کاری به حساب آورد عدم حضور فعالین پیشرو در امر سازمانیابی و سمت و سو دادن به این حرکت بود.

دادن اطلاعیه از طرف چند تشکل کارگری در ایران و اعلام همیاری و همدردی با مردم زلزله زده حائز اهمیت اما کافی نبود، فراتر از این حضور نمایندگان این تشکلهای در این حرکت اجتماعی بسیار ضروری بود. شاید بتوان گفت یکی از بهترین فرصتها در این رخداد و حادثه دلخراش براحتی از دست رفت. بهترین موقعیت بود که فعالان کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی تمام نیرو و انرژی خود را صرف سازماندهی و متشکل نمودن توده های به خشم آمده می نمودند. حتی می توان گفت زمینه شکل گیری تشکلات توده ای بسیار قوی بود. اگر مینا را بر این قرار دهیم که عمر این تشکلات کوتاه و مقطعی می بود، اما نتایج حاصله از عملکرد آنها می توانست منجر به تقسیم عادلانه کالا و خدماتی بشود که منافع مشترک عموم آسیب دیده گان را با نظارت خودشان در بر داشته باشد. و همچنین می توانست با ایجاد سنتهای قوی تشکل یابی توده ای اراده و تصمیم گیریهای مستقیم مردم را بهمراه داشته باشد. کمک و یاری برای شکل گیری چنین تشکلاتی علاوه بر اعمال حاکمیت مستقیم مردم بر خود از هرگونه عملکرد تفرقه افکنانه حاکمیت و جریانات سودجو و فرصت طلب جلوگیری خواهد کرد و یا آن را به حداقل خواهد رساند. این تشکلات با پشتوانه مردمی محلی و سراسری که دارند می توانند و باید به حاکمیت فشار آورند تا برای بازسازی و پرداخت خسارات به آسیب دیده گان وارد عمل شده و اقدام کنند. سیاست همیشه گی حاکمیت کنار کشیدن از کمک به آسیب دیده گان بوده است. این بار با اتحاد و همبستگی که به وجود آمده است اگر نهادهای خود مدیریتی را به همراه داشته باشد می توان آن را نقش بر آب کرد. ما به خوبی میدانیم هیچ قدرتی توانایی شکست مردم متحد را ندارد. در کنار هم باشیم، متحد شویم و صدای اعتراضمان و خواسته ها و مطالباتمان را رساتر کنیم. کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بیکاران و تمامی مردم ستم دیده و رنج کشیده برای خاتمه دادن به این زندگی نکبت بار، برای نابودی استبداد و برای رسیدن به یک زندگی انسانی و برابر متحد شویم. با دخالت آگاهانه و تقویت سازماندهی توده ای در چنین ابعادی اجتماعی است که مبارزه سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری در ایران و رژیم حاکم دارای استحکام لازم خواهد بود.

جمعی از فعالین کارگری - خارج از ایران

آذر 96 - نوامبر 2017

آدرس تماس:

Jame-faale-kargar@web.de

نامه نهادهای همبستگی به "پزشکان بدون مرز" برای کمک به آزادی رضا شهابی

به "پزشکان بدون مرز"

درود بر شما

به شما "پزشکان بدون مرز" که مسئولیت انسانی بزرگی را در سطح بین المللی برای کمک به نجات جان انسان ها به عهده گرفته اید.

"آی آدم ها، یک نفر دارد می سپارد جان ..."

رضا شهابی کارگر ایرانی که يك فعال سندیکایی است و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است، پس از 5 سال اسارت در زندان های جمهوری اسلامی که مبتلا به انواع بیماری ها و چند عمل جراحی شد، در مرداد ماه ۱۳۹۶ (اگوست 2017) مجدداً زندانی شده است. او پس از این بازداشت، در اعتراض به آن به مدت ۵۰ روز دست به اعتصاب غذا زد. این اعتصاب منجر به ایجاد عوارض وخیمی برای سلامتی وی شده است. ایشان با قول های مقامات رژیم که مدعی شده بودند، به زودی به خواست هایش رسیدگی می کنند، اعتصاب غذای خود را موقتاً پایان داد و اکنون که حدود سه هفته از آن می گذرد، زندانبان ها نه تنها به هیچ یک از خواست های ایشان رسیدگی نکردند، بلکه از انتقال او به بیمارستان علیرغم این که هر لحظه وضعیت وخیم تر می شود نیز خودداری می کنند، تنها یک بار قصد داشتند او را با دستبند و پابند ظاهراً به بیمارستان ببرند که شهابی حاضر به پذیرش چنین توهین بی شرمانه ای نشد و لذا از او خواستند که کتباً امضاء کند که حاضر به رفتن به بیمارستان نیست!!!

به روشنی پیداست که مسئولین جمهوری اسلامی با این شیوه و اتلاف وقت می خواهند او را در نتیجه تشدید عوارض جسمیش، نظیر شاهرخ زمانی و همچنین محمد جراحی در زندان از بین ببرند و به قتل برسانند.

البته لازم به ذکر است که تنها رضا شهابی در چنین شرایط وخیمی قرار ندارد، چنانکه هم زمان با اعتصاب او حدود ۲۰ تن از زندانبانان در همان زندان گوهردشت در حال اعتصاب غذا بودند. و عده بسیاری از زندانبانان سیاسی در ایران اکنون نیازمند معالجه و درمان هستند، امری که زندانبانان با اختلال در آن موجبات فشار بیشتر به زندانبانان را فراهم می آورند. محمد نظری زندانی سیاسی نیز در 76 مین روز اعتصاب غذایش در شرایط جسمی وخیمی به سر می برد. سعید شیرزاد فعال حقوق کودکان، همچنان در حال اعتصاب غذاست و در وضعیتی بحرانی به سر می برد ...

ما از شما می خواهیم هر چه سریعتر بنا به مسئولیتی که به دوش دارید، برای نجات جان این انسان ها و انتقال فوری رضا شهابی به بیمارستان، اقدام کنید. از شما تقاضا داریم که در صورت لزوم با کمک گرفتن از سازمان ملل، مجوز اعزام یک هیئت پزشکی متخصص را به زندان های ایران دریافت کنید و به هر طریق که امکان پذیر است موجبات معالجه زندانبانان سیاسی و از جمله رضا شهابی را فراهم کنید. (وی مبتلا به درد و سوزش شدید معده، فشار خون بالا و خون دماغ شدن است و بدن و صورتش نیز دچار تورم شده است. همچنین به علت دو عمل جراحی سنگین مهره های کمر و گردن در دوره قبلی اسارتش، نیم بدن و پاهایش بی حس و نیم دیگر به شدت درد می کند) در صورت نیاز به کمک مالی در این باره ما آماده ایم تا با برپایی کمیته هایی برای تامین مالی این کار، ادای سهم نماییم. پیشاپیش از تلاش های انسانی شما برای نجات جان زندانبانان سیاسی ایران و نیز رضا شهابی سپاسگزاریم

جهت اطلاعات بیشتر با آدرس ایمیل ما تماس بگیرید.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

solidarityciwm@gmail.com

20.10.2017

رونوشت به عفو بین الملل

کارگران جهان متحد شویم!

یک سال از درگذشت شهرام یوسفی گذشت!



درست یکسال است که رفیق عزیز ما شهرام یوسفی از فعالین کارگری و سوسیالیست، مبارز و پیشرو در جنبش کارگری ایران، از میان ما رفته است. تلاشهای خستگی ناپذیرش در راه آرمانهای والای طبقه کارگر و چهار دهه تاریخ پر افتخار مبارزاتی که با آن عجیب شده بود براحتی پرشدنی نخواهد بود. شهرام از آن دست فعالین کارگری بود که تا آخرین لحظه زندگی بدون توهم به دشمن طبقاتی و بطور آشتی ناپذیری برای رهایی خود و طبقه کارگر مبارزه نمود.

شهرام به عنوان یک فعال کارگری از دل طبقه ایی بیرون آمده بود، که عشق به زندگی را فقط در مبارزه ایی خستگی ناپذیر بر علیه نظام استثمارگرانه سرمایه داری جستجو می نمود، او بر این عقیده بود که طبقه کارگر بدون متحد شدن و ایجاد تشکلهای مستقل طبقاتیش نخواهد توانست نه به مطالبات و خواسته هایش بطور واقعی دست یابد و نه خواهد توانست در مقابل ترندهای ریاکارانه بورژوازی قد علم کند.

گرچه با مرگ شهرام جنبش کارگری یکی از یاران صادق و آشتی ناپذیر خود را از دست داد، اما مبارزه این طبقه بر علیه استثمار و نابرابری ادامه دارد! فعالین کارگری مبارز، بهای سنگینی از دستگیری و زندان و شکنجه گرفته، تا بیکاری و گرسنگی برای آن تا کنون پرداخته اند.

به این امید روند این مبارزه طبقاتی همانطور که خواست قلبی شهرام و هر فعال کارگری سوسیالیست است، بتواند هزاران کارگر مبارز مثال آنها، و نسلهای جوانتر کارگری، را در خود بپروراند.

خلاء از دست دادن شهرام و رهروان راه سوسیالیسم و برابری هیچوقت پر نخواهد شد، اما تجارب مبارزاتی این عزیزان به ما می آموزد که لحظه ایی از مبارزه برای متحد شدن و استقلال طبقاتی طبقه کارگر غفلت ننموده، لحظه ایی از مبارزه برای آزادی کارگران مبارز و دربند درنگ نکنیم.

بیائیم به یاد شهرام و دیگر رفقای رزمنده ایی که دیگر در میان ما نیستند، صدای اعتراضی خود را برای آزادی فعالین کارگری در بند و دیگر زندانیان سیاسی رساتر نماییم.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور یاد رفیق شهرام یوسفی و دیگر رهروان راه سوسیالیسم و آزادی را با ارج نهادن به آرمانهای والای بشری و مبارزه بی امان بر علیه بربریت سرمایه را گرامی میدارند!

یادش همواره گرامی باد و راهش پر دوام!

20 نوامبر 2017

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

nhkommittehamahangi@gmail.com

یاد علی اشرف درویشیان یار محرومین و پیکارجوی راه آزادی گرامی باد



علی اشرف درویشیان نویسنده مبارز و مردم دوست و راوی زندگی و آلام و رنج‌های فرودستان و زحمتکشانش پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت. او با قلم توانایش همواره و همیشه در خدمت مردم ستمدیده بود و برای همبسته نمودن فرودستان می نوشت.

علی اشرف درویشیان از همان جوانی گرفتار زندان و شکنجه شد. او در دهه ۵۰ به دلیل فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی از آموزش و پرورش اخراج و چند بار دستگیر شد. در آخرین دستگیری‌اش در سال ۵۴ به ۱۱ سال زندان محکوم گردید. و در گرماگرم انقلاب در آبان ۵۷ همراه با دیگر زندانیان سیاسی آزاد شد.

درویشیان در تمام عمر نویسندگی‌اش علیه سانسور مبارزه کرد و در پیکار برای آزادی بیان و عدالت اجتماعی خوش درخشید. او حتی در بستر بیماری هم از جوش و خروش باز نایستاد و در برابر رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی ایستاده بود و علیه صاحبان قدرت و ثروت و دشمنان مردم می گفت. نام او به عنوان یک نویسنده مردمی که قلمش همواره در خدمت محرومان جامعه بود، در ادبیات ما جاودانه خواهد ماند.

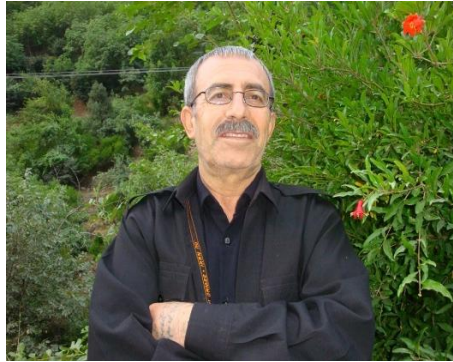
ما درگذشت علی اشرف درویشیان این نویسنده پیکارجو و بیانگر زندگی محرومین را به خانواده، دوستان، کانون نویسندگان و همه کسانی که برای برابری و آزادی مبارزه می کنند، تسلیم می گوئیم و خود را با آنان هم درد می دانیم.

یادش گرامی باد

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج از کشور

آبان ماه ۱۳۹۶، اکتبر ۲۰۱۷

بازداشت محمود صالحی و دیگر فعالین کارگری قویا محکوم است!



ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه در حالیکه محمود صالحی از فعالین جنبش کارگری ایران از بیمارستان پس از انجام دیالیز کلیه بر می گشت و وضعیت جسمانی مناسبی نداشت در مقابل بیمارستان توسط تعدادی از نیروهای امنیتی که لباس شخصی به تن داشتند دستگیر و به زندان مرکزی شهر سقز منتقل شد.

محمود صالحی از نظر جسمی در شرایط بدی قرار دارد و سلامتی او در زندان در معرض خطر جدی است. چنین برخوردهایی غیر انسانی که از طرف نیروهای سرکوبگر حکومت سرمایه جمهوری اسلامی که با ادامه فشار بر فعالان جنبش کارگری و پرونده سازی علیه آنان ادامه دارد، سبب شرایط دشوار و امنیتی شده، و رژیم با این ترفندها در تلاش است که فعالین کارگری را از مبارزه برای کسب حقوق شان بازدارد. محمود صالحی نیاز به درمان مداوم دارد و سلامتی او در خطر جدی است، هر اتفاق و عواقب ناگوار گریبان گیر او شود، مسئولیتش مستقیم به عهده مزدوران جمهوری اسلامی خواهد بود.

رژیم اسلامی با متوسل شدن به اذیت و شکنجه، دستگیری، صدور احکام زندان و بگیر و ببند فعالین کارگری و معلمان، تا کنون توانسته به موجودیت خود مشروعیت بدهد. اما قطعاً با اعتراض هایی که در رابطه با بیکار سازیها، حقوقهای معوقه و سرکوبها و دستگیریها که هر روز هم گسترده تر می شود نخواهد توانست مقابله کند. کارگران، معلمان و توده های زحمتکش و تهدیدست در چنین شرایطی چاره ای جز اعتراض و اعتصاب ندارند. پاسخ رژیم به این اعتراضات و مبارزات، ضرب و شتم کارگران و دستگیری و زندانی کردن آنها است. به بند کشیدن محمود صالحی، رضا شهابی، و دیگر فعالین جنبش کارگری ایران، تنها خشم و نفرت بیشتر کارگران و توده های زحمتکش علیه رژیم را دامن خواهد زد.

ایجاد جو رعب و خفقان و دستگیری فعالین کارگری و معلمان و سایر انسانهای آزاده ای که در زندانهای رژیم سرمایه جمهوری اسلامی بسر می برند، این وظیفه را جلو ما میگذارد که با تلاشی گسترده و همگانی بر علیه این دستگیریها بپا خیزیم. باید با کارزاری وسیع و پیگیر در سطح جهانی از افکار عمومی بخواهیم که با فشار به رژیم خواهان آزادی بی قید و شرط محمود صالحی، رضا شهابی و دیگر زندانیان سیاسی گردد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور دستگیری محمود صالحی را قویا محکوم میکنند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او میباشند. حمایت از فعالین کارگری، کمک به حفظ سلامتی شان و تلاش برای نجات آنها از زندان، وظیفه فعالین جنبش کارگری، هواداران این جنبش و تمامی آزادیخواهان است، با مبارزه و اعتراض همگانی و سراسری تلاش نماییم جان محمود صالحی و رضا شهابی را از چنگال آدمکشان جمهوری اسلامی نجات دهیم.

شنبه ۶ آبان ۱۳۹۶ - ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

محمود آزاد شد



سرانجام تلاش های پیگیرانه نیروهای مترقی آزادیخواه و عدالت طلب و سوسیالیست در سطح کشور و بین المللی به ثمر نشست و شاهد آزادی محمود عزیز شدیم. امروز ساعت 2 بعد از ظهر محمود با تأمین 3 میلیون تومان که بابت تبدیل یک سال زندان به جریمه نقدی است آزاد شد.

این آزادی و موفقیت در نجات او را به همه تلاشگرانی که در آزادی او نقشی داشتند، صمیمانه شادباش می گوئیم.

این تجربه نشان داد که با تلاش های پیگیر، همسو، گسترده و متحد، می توان حتی درنده خوترین دشمنان طبقاتی را به عقب نشینی واداشت و چنین مبارزاتی یقیناً به ثمر خواهد نشست.

آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی و دیگر کارگران زندانی گرچه با اعتراضات در سطح داخل و خارج روبرو بوده، اما نیازمند کارزارها و کمپنهای وسیعتری در سطح خارج و بین المللی میباشد.

"پرنندگان در قفس برای آزادی می خوانند،

پرنندگان آزاد به سوی خورشید پرواز می کنند"

به ندای سایر پرنندگان در قفس گوش فرا دهیم و در تداوم تلاش های تا کنونی همراه با محمود و سایر پرنندگان آزاد شده به سوی خورشید آزادی و پیروزی پرواز کنیم

پنجشنبه دوم آذر 1396 – 26 نوامبر 2017

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

<http://nahadha.blogspot.com>

nhkommittehamahangi@gmail.com

مصوبات

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

خارج کشور

الف: "اشتراکات ما"

- 1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.
- 2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.
- 3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.
- 4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.
- 5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.
- 6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

ب: "ارگان ها"

یک: مجمع عمومی

- 1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.
- 2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پیشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهده دارد.
- 3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.
- 4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

کارگران جهان متحد شویم!

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید براساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می‌گیرد. این تقاضا از طریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می‌شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها در مدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می‌آید.

تبصره - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت، تصمیم‌گیری برعهده اولین مجمع عمومی می‌باشد.

6 - میهمانان در مجمع عمومی عبارتند از:

الف - رفقانی که هیئت هماهنگ کننده از فعالان کارگری داخل و خارج از کشور دعوت به عمل می‌آورند. شرکت این میهمانان در مجمع عمومی با تأیید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت می‌گیرد.

ب - رفقانی که در رابطه با مناسبات همبستگی بین‌المللی و ارتباط با گرایش‌های چپ کارگری شهری از طریق رفقای تدارک دهنده مجمع عمومی دعوت می‌شوند. رفقای دعوت شده می‌توانند در تمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات و بعنوان مشاور و انتقال تجربه درمباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می‌شود که حد اقل از سه عضو تشکیل شده و در پیوند با محیط استقرار خود (کشور یا شهر) فعالیتی مستمر برای جلب حمایت از جنبش کارگری در ایران داشته باشد.

دو: هیئت هماهنگ کننده

1- مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها و پیگیری مصوبات، برنامه‌ها و رابطه بین نهادها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب می‌کند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم می‌کند. سایر اعضای نهادها نیز می‌توانند بدون حق رای و تنها با حق مشارکت در این نشست‌ها شرکت کرده و در چهارچوب دستور جلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده و در محدوده زمانی که برای اظهار نظرات آنها معین می‌شود، نظرات مشورتی خود را ابراز کنند.

3- هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه‌هایی خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف به علاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راساً مجری هیچ برنامه‌ای نیست بلکه می‌کوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه‌های کاری فعالیت‌های عملی را هماهنگ کند.

کارگران جهان متحد شویم!

5- گزارشات مجامع عمومی، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6- با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزار میشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده و از اختیارات مجمع عمومی برخوردار نیستند، نهادها گزارش فعالیتهای خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیتهای جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهده هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7- هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هیئت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک از این نهادها یک نفر را برای شرکت در هیئت هماهنگی معرفی میکند.

8- هیات هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیر خواهان ارسال گزارشات شش ماهه نهادها بشود و بعد از بررسی، آن گزارشاتی را که برای انتشار بیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تا در مورد آنها تصمیم گیری شود.

9- بمنظور انتقال تجربه از هیات هماهنگ کننده قبلی به هیات جدید، ضروری است یک نفر از اعضای هیات پیشین، در جلسات هیات هماهنگ کننده جدید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضور داشته باشد.

10- مسئولیت انتشار بیانیه و اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها میباشد.

تبصره یک: اطلاعیه و بیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال و از آنجا به همه نهادها و منفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیانیه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی با کلیت بیانیه و اطلاعیه مذکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام و امضای آن نهاد در پانین بیانیه درج نشود و اگر نهادی در این رابطه جواب نداد، دلیل بر موافقت با بیانیه پیشنهادی است. زمان مورد نظر برای نظردهی درباره بیانیه و اطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه: در صورتی که نهادی با بیانیه یا اطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سایر نهادها بدون ذکر نام نهاد مخالف، در زیر بیانیه و اطلاعیه آورده می شود. در صورت توافق اکثریت نهادها، ذکر نام تمامی نهادها ضرورتی ندارد.

پ - ضوابط همکاری ها

1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایشات سیاسی گوناگون می باشند، لذا این مجموعه، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خود را بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید.

2- مناسبات بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتهای و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی - اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی - نظری گرفته نمیشود.

3 - نهادها در سطح محلی کاملا مستقل بوده و میتوانند راسا و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهائی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.

4 - تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست ضروری است.

5 - نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، و در صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.

6 - هیچ نهادی حق ارائه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارها و جلسات عمومی در سطوح مختلف، بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.

7 - نهادها موظف به ارائه گزارش اقدامات شش ماهه خود میباشند. این گزارشات می باید یک ماه پیش از مجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع در اختیار نهادها گذاشته شود.

8 - نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهادهاست و ترجیح و تشویق آن برای نهادهای متشکل درکشورها و شهرهای مختلف و پرهیز از انفراد و تک یاختگی است. با این حال خود را از توان و تجربه فعالین کارگری در خارج از کشور که به هر دلیل بصورت نهاد محلی عمل نمیکنند بی نیاز نمی داند و آنان را به همکاری دعوت می کند.

واحد های محلی نهادها ی همبستگی در سطح کشورها برای امکان همکاری و هماهنگی میان نهادها ایجاد شده اند تا یک جمع بزرگتر و فراگیرتر از تک نهادها ایجاد شود، یعنی روش کار نهادها نباید در جهت تانید انفرادگرائی و میدان دادن به آن باشد. همکاری منفرد بین باجمع نهادها بر قبول این اصل بنیادی و بدیهی استوار است که نهادها شالوده این تجمع و همکاری را تشکیل میدهند و موازین و شرایط کار و همکاری با منفردین در هیچ موردی نباید اساس موجودیت نهادی را تحت الشعاع قرار دهد.

9 - هر متقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی از اعضای نهادها معرفی کند.

10- عضو منفرد می بایست بصورت فعال در یکی از فعالیتهای عمومی نهادها از جمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن در فعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخوردار از حق رأی مشورتی است. توصیه می شود بمنظور اهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهترین نوع فعالیتهای آنها، از هر نهاد حداقل یک رفیق در یکی از فعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 - عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کاری را برعهده گیرد.

12 - مناسبات در درون نهادها می باید بر شفافیت و صداقت و صراحت استوار باشد. هنرها و عضونهاد و هر عضومنفرد حق دارد در رابطه با مباحث و تدارکات تصمیمات و یا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود و جلب نظر دیگران بپردازد اما این کار باید با انتشار علنی متن مربوطه در جمع نهادها و دعوت عمومی به امضای موافقین آن باشد.

13 - کسانی که از نهادها اخراج و یا به هر دلیلی جدا می شوند، برای پذیرش دوباره در نهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 - هر عضو ونهادی که در هر نشست امپریالیستی و آلترناتیوسازی بورژوازی که در چهارچوب تائید نهادها قرار ندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگو در برابر نهادها باشد.

چنانچه رفیق یا نهاد شرکت کننده در چنین جلساتی، با آگاهی از ماهیت نشست در آن شرکت کرده و از این عمل خود دفاع نماید، بلافاصله عضویت فرد یا نهاد مربوطه از طرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش رویه تعلیق درمی آید و تصمیم قطعی در مجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس از تعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نهاد مربوطه را تعیین خواهد کرد و صورت مسئله برپایه گزارش هیئت هماهنگ کننده در سطح جنبش انتشار داده می شود.

در صورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نهادی که تمایل به شرکت در آن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می بایست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آن اجلاس و یا نحوه شرکت در آن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرار گیرد.

چنانچه در شرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشتی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش از هر عمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق العاده بدهد تا مسئله در آن مجمع، مورد بررسی قرار گیرد.

15 - نهادها حتماً باید در پنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را در قالب بیانیه و اطلاعیه و یا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینها عبارتند از: اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.
رژیم سرمایه داری
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و
شروط و وثیقه های سنگینی
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هر شکل و با هر توانی که دارند
کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و شرکت نمایند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

زندانهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، اکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور